

چگونه ملای کم سواد
قندهاری ناگهان
«امیرالمومنین» شد؟

صفحه ۴

صبح ۸

سال شانزدهم
شماره ۳۹۰۴
یکشنبه
۲۴ ثور ۱۴۰۲
۱۴ می ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

زنان صنعت پیشه غور از نبود بازار برای فروش محصولات شان شکایت دارند



زنان صنعت پیشه در غور که روزگاری با فروش صنایع دستی عاید خوبی به دست می آوردند، اکنون از نبود بازار برای فروش دست دوزی های شان شکایت دارند. آنان می گویند که از دو سال به این سو بازار صنایع دستی در کشور بی رونق شده است. این زنان که بیشتر آنان نان آور خانواده های خود هستند خاطرنشان می سازند که اکنون در وضعیت بد اقتصادی به سر می برند. از سوی دیگر، فقر و بیکاری در دو سال گذشته همه شهروندان را زیر فشار قرار داده است. گزارش ها می رسانند که بیش از سه چهارم شهروندان افغانستان زنده گی خود را با دریافت کمک های بشردوستانه به پیش می برند.

صفحه ۵



پیام امیر قطر به امیر طالبان؛

منابع: «ملای کلان» با کسی دیدار نکرده است

صفحه ۳

تروریسم علیه تروریسم؛

طالبان در دوراهی توحش و اهلی شدن

صفحه ۶

جبهه مقاومت؛

حمله طالبان در تخار عقب زده شد



صبح، تخار: جبهه مقاومت ملی اعلام کرده است که حمله گسترده جنگجویان طالب بر مواضع نیروهای این جبهه در ولایت تخار در شمال شرق افغانستان را عقب زده است.

این جبهه در توییتی گفته که حمله طالبان روز جمعه، ۲۲ ثور، در ولسوالی چال ولایت تخار بر مواضع نیروهای جبهه مقاومت انجام شده است. جبهه مقاومت افزوده که طالبان در این حمله از سلاح های سبک و سنگین کار گرفته و درگیری «شدید» میان جنگجویان طالب و نیروهای این جبهه از صبح روز جمعه تا شام این روز ادامه داشته است. در توییت جبهه مقاومت ملی آمده است: «در نتیجه

نیروهای تروریستی طالبان با تحمل شکست خفت بار، مجبور شدند تا محل را ترک کنند.» اطلاعات نشر شده حاکی از آن است که طالبان در جریان این درگیری شماری از غیرنظامیان را بازداشت و با خود برده اند.

گفته شده که به نیروهای جبهه مقاومت ملی در این درگیری هیچ گونه آسیبی نرسیده است. طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته اند.

طالبان در ننگرهار مردی را به اتهام خواندن نعت به سبک آهنگ بازداشت کردند

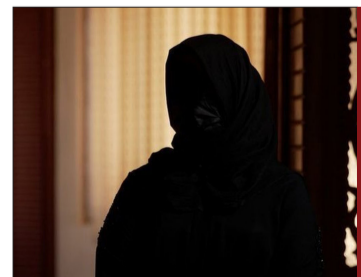


صبح، کابل: طالبان در ولایت ننگرهار یک تن را به اتهام خواندن نعت به سبک آهنگ، بازداشت کردند. عاکف مهاجر، سخنگوی وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان، در رشته توییتی گفته که این فرد به نام خوش نصیب روز شنبه، ۲۳ ثور، بازداشت شده است. مهاجر افزوده است که بارها به ترانه خوانان تذکر داده شد که نعت ها را به طرز آهنگ تهیه نکنند، اما به این تذکر توجهی نشد.

او نوشته که خوش نصیب نیز پس از بارها تذکر و شکایت به اداره امر به معروف و نهی از منکر طالبان، بازداشت شده است. پیش از این ذبیح الله مجاهد، سخنگوی عمومی و معین پیشین وزارت اطلاعات و فرهنگ این گروه، در یک نوار صوتی گفته بود که پس از این از نعت هایی که مفهوم ندارند و به سبک آهنگ تهیه شده اند، جلوگیری شود. گفتنی است که بیشتر نعت هایی که از سوی هواداران این گروه نشر و پخش می شود، با سبک آهنگ تولید می شود.

صفحه ۵

«زن طالب»؛ روایت دختری که موفق به فرار نشد



صفحه ۶

ترس طالبان از آزادی بیان

برای رژیم مستبد، ضد بشری و متعصب طالبان، کثرت و تنوع پذیرفتنی نیست. آنان موازین حقوق بشری را قبول ندارند. به همین دلیل، آزادی بیان برای آنها ارزش ندارد...



مردی در جوزجان زیر شکنجه یک جنگجوی طالب جان باخت



صبح، جوزجان: منابع محلی در جوزجان می گویند که یک مرد میان سال در این ولایت، زیر شکنجه یک جنگجوی طالبان جان باخت است.

این رویداد روز شنبه، ۲۳ ثور، در روستای شیرمنگو ولسوالی درزاب ولایت جوزجان رخ داده است.

به گفته منابع، این فرد خال محمد بای نام داشت و پس از درگیری لفظی بر سر زمین با فردی بنام احمد ربیس، از اعضای طالبان در جوزجان، کشته شده است.

منابع تصریح می کنند که خال محمد زیر شکنجه فرزندان احمد ربیس جان داده است.

فرد کشته شده در حدود ۵۰ سال سن داشته و یکتن از بزرگان محلی بوده است.

طالبان تا کنون در مورد این ادعاها چیزی نگفته اند.

جنگجویان طالب پیش از این نیز به مجازات غیرنظامیان در دادگاه های صحرایی پرداخته اند.

چندی پیش جنگجویان این گروه در ولایت فاریاب یک حافظ قرآن را در برابر چشمان اعضای خانواده اش سر بردند.



بحران پاکستان؛

چرا دموکراسی در این منطقه پانمی گیرد؟

بحران کنونی پاکستان ابعاد و علل مختلفی دارد که یکی از آن‌ها نبود دموکراسی استوار و نهادینه شده است. هنگامی که مردم خود در تعیین سرنوشت خویش نقشی ندارند و نهادهای دیگر برای شان پیوسته تعیین تکلیف می‌کنند، تنش و آشفتگی به صورت فزاینده‌ای گسترش می‌یابد و به پیدایش بحران‌های نو می‌انجامد. پاکستان از بدو تاسیس خود تا امروز با سلسله‌ای از این دست بحران‌ها دست به گریبان بوده است و هرچند هیچ‌گاه به مرز فروپاشی نرسیده، اما از چرخه بحران‌های مکرر و متداوم نیز به سوی ثبات و توسعه پایدار عبور نکرده است. این وضعیت مخصوص پاکستان نیست، بلکه دیگر کشورهای منطقه نیز شرایطی کم‌وبیش مشابه دارند، چنان‌که در چند ماه گذشته ایران گرفتار بحرانی همانند بود. دیگر کشورهای همسایه ما نیز از این جهت آسیب‌پذیرند و بحران‌ها مانند بمب ساعتی در کمین‌شان است تا لحظه انفجار فرا برسد.

چرا دموکراسی در این کشورها پانمی گیرد و به پخته‌گی و استواری لازم نمی‌رسد، و اگر گاهی مانند نسیمی ملایم بر زنده‌گی مردمان این منطقه شروع به وزیدن می‌کند، دیری نمی‌گذرد که گردبادها و توفان‌های تند همه چیز را دست‌خوش نوسان و بی‌ثباتی می‌سازد؟ برای پاسخ، می‌توان دو دسته عوامل را در نظر گرفت؛ عوامل بیرونی و عوامل درونی. در سطح بیرونی، کشورهای قدرتمندی که در تحولات منطقه نفوذ مستقیم دارند، ترجیح می‌دهند به جای سروکار داشتن با اداره‌های سست و لرزان، طرف تعامل‌شان گروه یا سازمانی باشد که هسته سخت قدرت را تشکیل می‌دهد و می‌تواند شرایط را برای‌شان قابل پیش‌بینی بسازد. از این جهت نهاد نظامی در پاکستان، ولایت فقیه در ایران و حکومت‌های مشابه در منطقه نظام‌های مطلوب برای قدرت‌های بزرگ‌اند. اما تقدم در این زمینه از آن عامل درونی است، نه عامل بیرونی و باید اولویت را به آن داد. در سطح درونی، چندین عامل در این سرزمین‌ها مانع شکل‌گیری دموکراسی واقعی بوده‌اند. نخست، نظریه‌پردازی کافی در این جوامع به سود دموکراسی صورت نگرفته است تا گفتمان‌های ضد دموکراسی راست و چپ از میدان‌داری افکار عمومی کنار بروند. دوم، نیروهای متعهد به دموکراسی که خود تجسمی از منش دموکراتیک باشند، در این منطقه ظهور نکرده و اغلب مدعیان آن در زنده‌گی عملی خود انسان‌های دموکرات نیستند. سوم، نهادینه شدن دموکراسی نیازمند آموزش است، هم در سطح نظام تعلیمی و هم در سطح نهادهای اجتماعی. دموکراسی پدیده‌ای مدرن است که باید آن را فراگرفت و در زنده‌گی تمرین کرد، اما چنین آموزشی از پهنه عمومی غایب بوده است. چهارم، دموکراسی زاده بلوغ جوامع است که خود را در فردیت انسان‌ها نشان می‌دهد؛ انسان‌هایی که از صغارت خودخواسته رهایی یافته باشند. در جایی که هویت گله‌ای بر هویت فردی بچرد و استقلال انسان‌ها در تفکر و انتخاب به رسمیت شناخته نشود، دموکراسی پانمی گیرد. پنجم، عدم ظهور رهبران و نخبه‌گان سیاسی‌ای که نهادینه ساختن دموکراسی را بر منافع سیاسی خود ترجیح دهند، بدان‌گونه که جواهر لعل نهرو، نلسون ماندیلا، لی‌کوان‌یو و دیگران، با رهبری جوامعی مانند جوامع ما، مسیر جدیدی را برای مردم خود ترسیم کردند. از تجربه پاکستان می‌توان آموخت که بدون دموکراسی متکی بر نهادهای قدرتمند دموکراتیک، بحران‌های سیاسی و اجتماعی دست از گریبان ملت‌ها بر نمی‌دارد و به آن‌ها اجازه رسیدن به ثبات، توسعه، شکوفایی و پیش‌رفت پایدار را نمی‌دهد.

تلاش برای حل معضل تی‌تی‌پی؛ پاکستان از اهرم‌های چین برای فشار بیشتر بر طالبان استفاده می‌کند



۸ صبح، کابل: پس از برگزاری نشست سه‌جانبه اسلام‌آباد و گفت‌وگوها در مورد نگرانی‌های امنیتی اسلام‌آباد و بیجینگ، اکسپرس تریبون به نقل از منابعش گزارش داده است که چین با هیات امنیتی پاکستان در کابل به آنان پیشنهاد جابه‌جایی جنگ‌جویان تی‌تی‌پی و خانواده‌های‌شان در نقاط مرزی افغانستان را داده بود، به شرطی که هزینه آن را اسلام‌آباد بپردازد.

گفت‌وگو با تی‌تی‌پی را ارایه کرد؛ چیزی که از نظر پاکستان دست‌کم تا کنون موثر نبوده است. از سویی هم، طالبان پیش از این در دیدار با هیات امنیتی پاکستان در کابل به آنان پیشنهاد جابه‌جایی جنگ‌جویان تی‌تی‌پی و خانواده‌های‌شان در نقاط مرزی افغانستان را داده بود، به شرطی که هزینه آن را اسلام‌آباد بپردازد.

اکسپرس تریبون به نقل از منابعش روز شنبه، ۲۳ ثور، گزارش داده است که چین در تلاش است تا یک «راه‌حل عملی» بین پاکستان و طالبان افغانستان برای رسیده‌گی به موضوع تحریک طالبان پاکستان (TTP) ایجاد کند.

منابع این رسانه گفته‌اند که پاکستان نیز از اهرم‌های اقتصادی و مالی چین برای فشار بر طالبان افغانستان در مورد رسیده‌گی به مساله تی‌تی‌پی استفاده می‌کند.

امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه طالبان، در سفر اخیرش به اسلام‌آباد در انستیتوت مطالعات استراتژیک پاکستان دوباره طرح

یونیسف در تخار دو پروژه آبرسانی را به بهره‌برداری سپرد

شد و اکنون به دسترس مردم قرار گرفته است. این پروژه‌ها در روستای ترنچی شهر تالقان، مرکز ولایت تخار، نیاز یک هزار و ۳۲۰ خانواده به آب صحتی را رفع می‌کند.

برق مورد نظر این شبکه‌ها با سیستم انرژی آفتابی تامین می‌شود.

پیش از این، باشنده‌گان این روستا در مرکز تخار از نبود آب صحتی آشامیدنی شکایت داشتند. صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل پروژه‌های مشابهی را در ولایات دیگر نیز به بهره‌برداری سپرده است. گفتنی است که نبود آب صحتی آشامیدنی در برخی از ولایات کشور، سبب افزایش موارد اسهالات کودکان شده است.



۸ صبح، تخار: صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) دو پروژه آبرسانی در ولایت تخار را به ارزش بیش از ۱۸ میلیون افغانی تکمیل کرده و به بهره‌برداری سپرده است. باشنده‌گان تخار روز شنبه، ۲۳ ثور، می‌گویند که کار این شبکه‌های آبرسانی دو روز پیش تکمیل

دختر جوانی در فاریاب خودکشی کرد



طالبان در فاریاب هنوز در مورد خودکشی این دختر جوان چیزی نگفته‌اند. خودکشی دختران جوان و زنان اخیراً در ولایت‌های مختلف کشور افزایش یافته است. علت اکثر رویدادهای ترافیکی در میان زنان و دختران، خشونت‌های خانوادگی و فقر گفته شده است. حدود دو هفته پیش نیز دو زن در یک روز در ولایت‌های فاریاب و کاپیسا خود را حلق‌آویز کردند.

۸ صبح، فاریاب: منابع محلی در فاریاب می‌گویند که یک دختر جوان در این ولایت خودکشی کرده است. منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این رویداد روز جمعه، ۲۲ ثور، در مربوطات ناحیه چهارم شهر میمنه، مرکز فاریاب رخ داده است. گفته می‌شود که این دختر جوان با خوردن داروی مرگ موش به زنده‌گی‌اش پایان داده است. علت خودکشی این دختر جوان خشونت‌های خانوادگی گفته شده است.

نیروی دریایی هند یک محموله مواد مخدر از مبدا افغانستان را کشف و ضبط کرد

۸ صبح، کابل: نیروهای دریایی هند یک محموله بزرگ مواد مخدر حاوی مت‌آمفتامین را از آب‌های جنوبی این کشور کشف کرده که ادعا شده مبدا آن افغانستان بوده است.

اکونومیک تایمز گزارش داده است که این محموله دو هزار و ۵۰۰ گرمی با ارزش ۱۲ هزار کرور هندی امروز (شنبه، ۲۳ ثور) در ساحل کرالا ضبط شده است.

نیروهای دریایی هند یک تبعه پاکستان را در پیوند به قاچاق این محموله مت‌آمفتامین با خلوص بالا که مقصد آن گفته می‌شود هند بوده است، بازداشت کرده‌اند.

به گزارش این رسانه، محموله توقیف شده سومین محموله بزرگ مواد مخدر طی یک‌و‌نیم سال گذشته است که از افغانستان به مقصد هند، سریلانکا و مالدیو قاچاق می‌شود.

نیروی دریایی هند گفته است که طی عملیات‌های مشابه از طریق آب‌های جنوبی این کشور تا کنون حدود ۳ هزار و ۳۰۰ کیلوگرم مت‌آمفتامین، ۵۰۰ کیلوگرم هروئین و ۵۲۹ کیلوگرم چرس کشف و ضبط کرده‌اند. این در حالی است که هند بارها نسبت به افزایش قاچاق مواد مخدر از افغانستان ابراز نگرانی کرده است. آخرین نگرانی دهلی‌نو در این زمینه در نشست شورای وزیران امور خارجه سازمان همکاری‌های شانگهای مطرح شد.

مت‌آمفتامین، یک مواد به شدت اعتیادآور که سیستم اعصاب مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آن در تهیه مواد نشئه‌آور دیگر نیز استفاده می‌شود.



طی یک هفته ۵۰ مورد سگ‌گزیده‌گی در مراکز صحتی زابل ثبت شده است

۸ صبح، کابل: ریاست صحت عامه زیر کنترل طالبان در ولایت زابل از افزایش موارد سگ‌گزیده‌گی در این ولایت خبر می‌دهد. مقام‌های این ریاست روز شنبه، ۲۳ ثور، می‌گویند که در یک هفته گذشته بیش از ۵۰ تن به شمول کودکان به دلیل گزیده شدن توسط سگ دیوانه، به مراکز صحتی این ولایت مراجعه کرده‌اند.

در میان افراد مبتلا به بیماری سگ دیوانه، هفت کودک شامل اند که وضعیت صحتی دو تن آنان وخیم گزارش شده است.

با این حال، مسوولان صحتی در زابل می‌گویند که تطبیق واکسین سگ دیوانه به بیماران آغاز شده است و آن‌ها زیر درمان قرار دارند.

این در حالی است که افزایش سگ‌های دیوانه و نبود طرح برای حل این مشکل در زابل، باشنده‌گان این ولایت را نگران کرده است. پیش از این ده‌ها تن در ولایت قندهار نیز به این بیماری مبتلا شده‌اند.





“

وزارت خارجه قطر نیز روز جمعه، ۲۲ تیر، با انتشار بیانیه‌ای خبری گفته است که نخست‌وزیر این کشور با محمدحسن آخوند، رییس‌الوزرای طالبان، در قندهار دیدار کرده است. در این بیانیه آمده است: «در این دیدار راه‌های حمایت از افغانستان برای کاهش اثرات بحران‌های کنونی به‌ویژه در سطوح انسانی و اقتصادی بررسی شد.»

پیام امیر قطر به امیر طالبان؛

منابع: «ملای کلان» با کسی دیدار نکرده است

امین کاوه

برسانند. مهلت به پایان رسیده. طالب به هیچ یکی از تعهدات به شمول قطع رابطه با سایر گروه‌های تروریستی عمل نکرده، دقیق آن چه ما قبلاً گفته بودیم.»

حمایت قطر از طالبان به‌عنوان ابزار بازی در نظم بین‌المللی

شماری از شهروندان و مقام‌های حکومت پیشین معتقدند که قطر در نظم بین‌المللی، با حمایت از طالبان به‌عنوان رادیکال‌ترین گروه مذهبی، استفاده ابزاری می‌کند. به باور آنان، قطر در افغانستان بنیادگرایی را تقویت می‌کند، اما در جهان غرب از خود چهره جدید به نمایش می‌گذارد. آنان با نشر تصاویر نخست‌وزیر قطر از جریان سفرهایش در بریتانیا و قندهار، گفته‌اند که این کشور برای خود نوگرایی و برای افغانستان بنیادگرایی می‌خواهد.

عبدالله خنجانی، معین پیشین وزارت دولت در امور صلح که در مذاکرات دوحه به‌عنوان تسهیل‌کننده اعضای هیات مذاکراتی حکومت پیشین نیز کار کرده، سفر نخست‌وزیر قطر به افغانستان زیر کنترل طالبان را به‌گونه تلویحی تشویق رادیکالیسم توصیف کرده است. او در توییتی نوشته است: «قطر انرژی و منابع سیاسی قابل توجهی را برای پرورش بازیگران رادیکال به‌عنوان مشتریان فداکار در سطح جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. به هدف جلب حمایت غرب از آرمان‌های ژئوپولیتیکی و جهانی خود، این رویکرد را خواهد داشت.»

او حمایت قطر از طالبان را دارای پیامدهایی علیه نوسازی و تنوع در منطقه خوانده است. در توییت این مقام حکومت پیشین همچنان آمده است: «پیامدهای مهمی برای نوسازی و تنوع در خاورمیانه، جنوب آسیا و آسیای مرکزی است. برای مقابله موثر با این پروژه، بسیج بازیگران بزرگ‌تر ضروری است. چین، روسیه، عربستان سعودی، ایران و ترکیه این نفوذ قاطعانه را مهار کنند.»

جمشید یما امیری، یکی از خبرنگاران کشور، نیز در توییتی عکس‌هایی از جریان دو سفر این مقام قطری را منتشر کرده است. او با نشر عکس‌های سفر نخست‌وزیر قطر در بریتانیا گفته است: «رهبر قطر و همسرش در مراسم تاج‌گذاری شاه بریتانیا، اما قطر از سال ۲۰۱۰ بدین سو تمام توانش را به کار بسته تا یک رژیم واپس‌گرا، ضد زن، ضد آزادی و تمدن را در کشور ما حاکم سازد. آن‌ها توانستند این کار را بکنند، اکنون می‌خواهند این رژیم قهقرایی و دست‌نشانده را مشروعیت بخشند.»

در نزدیک به دو سال گذشته، طالبان در خلای قانون در افغانستان حاکمیت کرده‌اند. این گروه در عین حال که خواستار مشروعیت جهانی است، به اراده جمعی مردم افغانستان رجوع نکرده و حاکمیت خود را قدسیت مذهبی می‌دهد. این گروه پارلمان را به‌عنوان عالی‌ترین مرجع قانون‌گذاری، حذف و همه قوانین حکومت گذشته را ملغاً اعلام کرده‌اند. ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، گفته است که روی تمام قوانین در افغانستان خط بطلان کشیده شود. او تأکید کرده که در حاکمیت طالبان هیچ قانونی به جز «قانون الاهی» اجراشدنی نیست. طالبان براساس این روایت رهبرشان، زنان را از تمام عرصه‌های زنده‌گی جمعی محروم و مخالفان رژیم‌شان را به شدیدترین حالت سرکوب کرده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارش‌های متعددی از نقض گسترده حقوق بشر از سوی طالبان پرده برداشته است. در یک گزارش این نهاد آمده است که طالبان علاوه بر اعمال محدودیت بر زنان، آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان را نیز سرکوب کرده‌اند. به گفته این سازمان، بازداشت‌های خودسر، شکنجه و ناپدید شدن معترضان، اعدام‌های غیرقانونی، شکنجه و بازداشت مخالفان از سوی طالبان همچنان ادامه دارد. در تازه‌ترین مورد ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور افغانستان، فشرده یک گزارش خود از وضعیت افغانستان را منتشر کرده است. در فشرده گزارش او از تبعیض طالبان علیه زنان و دختران، سرکوب سیستماتیک زنان و دختران و وخامت دوامدار وضعیت حقوق بشری، عمیقاً ابراز تاسف شده است. با این حال طالبان به نقض گسترده حقوق بشر به‌ویژه محرومیت زنان، سرکوب منتقدان و مخالفان سیاسی، وضع محدودیت و سانسور رسانه‌ها ادامه داده‌اند. این گروه رژیم خود را همه‌شمول توصیف می‌کند و از جهان می‌خواهد که در امور داخلی این گروه مداخله نکنند. این در حالی است که جامعه جهانی تعامل و بحث به رسمیت شناختن این گروه را مشروط به رعایت حقوق بشر و ایجاد دولت همه‌شمول کرده است.

واکنش زنان و مقام‌های حکومت پیشین به سفر نخست‌وزیر قطر به قندهار

زنان و دختران در جریان ۲۱ ماه گذشته، همواره نسبت به اعمال سیاست‌های «تبعیض‌آمیز» طالبان اعتراض کرده و از جامعه جهانی خواسته‌اند که این گروه را به رسمیت نشناسد. زنان و دختران معترض از کشورهای همسایه و دولت‌هایی که در حال حاضر با طالبان تعامل دارند، خواسته‌اند که برای این گروه «لایب‌گری» نکنند. این زنان دولت قطر را در مسلط ساختن طالبان بر افغانستان، متهم می‌کنند.

شمسیه (نام مستعار) یکی از زنان معترض است. او که به دلیل تهدیدات جدی امنیتی نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «سفر نخست‌وزیر قطر به قندهار، نشان می‌دهد که طالبان حتا به کسانی که آن‌ها را به قدرت رسانده‌اند، هم اعتنایی نمی‌کنند. اگر قطر زمینه را برای طالب مساعد نمی‌ساخت، طالب را تربیون بین‌المللی نمی‌داد، طالب هرگز به این ساده‌گی به قدرت نمی‌رسید. حالا قطر در سطح جهان به خاطر سفیدنمایی طالبان مسوول است و از همین خاطر باز آستین بالا زده که جنایت‌های دوساله این گروه را بپوشاند، همان‌گونه که جنایت‌های بیست‌ساله‌شان را بپوشاند.»

فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه حکومت پیشین، نیز با نشر توییتی گفته است که طالبان به قطر و سایر کشورهایی که در رسیدن این گروه به قدرت تلاش کرده‌اند، اعتنا نمی‌کنند. او در توییتی افزوده است: «مقام ارشد سیاسی و استخباراتی قطری که نقش دست‌یار امریکا در امور افغانستان را ایفا می‌کنند، به قندهار رفته‌اند تا پیام امریکا و جهان را به طالبان

با محمدحسن آخوند، رییس‌الوزرای طالبان، در قندهار دیدار کرده است. در این بیانیه آمده است: «در این دیدار راه‌های حمایت از افغانستان برای کاهش اثرات بحران‌های کنونی به‌ویژه در سطوح انسانی و اقتصادی بررسی شد.» اعلامیه وزارت خارجه قطر می‌افزاید: «دولت قطر حمایت بی‌دریغ خویش را از همه اقشار مردم افغانستان و تلاش برای دستیابی به امنیت، ثبات، رفاه و زنده‌گی شایسته» انجام خواهد داد.

این مقام بلندپایه قطر در حالی به قندهار سفر کرده که دولت قطر به تاریخ ۱۱ و ۱۲ تیر امسال میزبان نشست مهم بین‌المللی به رهبری سازمان ملل متحد و اشتراک نماینده‌گان ویژه کشورها در مورد افغانستان بوده است. پیش از برگزاری این نشست، امینه محمد، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد، در سخنرانی‌اش در دانشگاه پرینستون امریکا گفته بود که سازمان ملل در مورد شرایط به رسمیت شناختن طالبان در نشست دوحه گفت‌وگو می‌کند. به باور تحلیل‌گران، با توجه به اشراف دولت قطر بالای طالبان، این مقام قطری حامل پیامی از جامعه جهانی به طالبان بوده که فرصت‌های موجود را غنیمت بشمارند. اما توماس نیکلاسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، گفته است که در نشست دوحه توافق شده که شرایط به رسمیت شناختن طالبان فراهم نیست.

بی‌اعتنایی طالبان به خواست‌های جهان

سازمان ملل متحد در گزارشی وضعیت حقوق بشری در افغانستان زیر تسلط طالبان را به بررسی گرفته است. این گزارش موارد مرتبط به محرومیت شهروندان افغانستان به‌ویژه زنان از حقوق اساسی آنان را مستند کرده است. در این گزارش آمده است: «مردم افغانستان، به‌ویژه زنان و دختران از داشتن حقوق کامل انسانی خود محروم‌اند.» از سوی دیگر وزارت خارجه امریکا در گزارش سالانه خود گفته است که طالبان در جریان سال ۱۴۰۱ خورشیدی مرتکب انواع نقض حقوق بشری شده‌اند. در این گزارش آمده است: «برخورد سرکوب‌گرانه و تبعیض‌آمیز طالبان در مقابل زنان در سال ۲۰۲۲ بی‌رحمانه بوده است.»

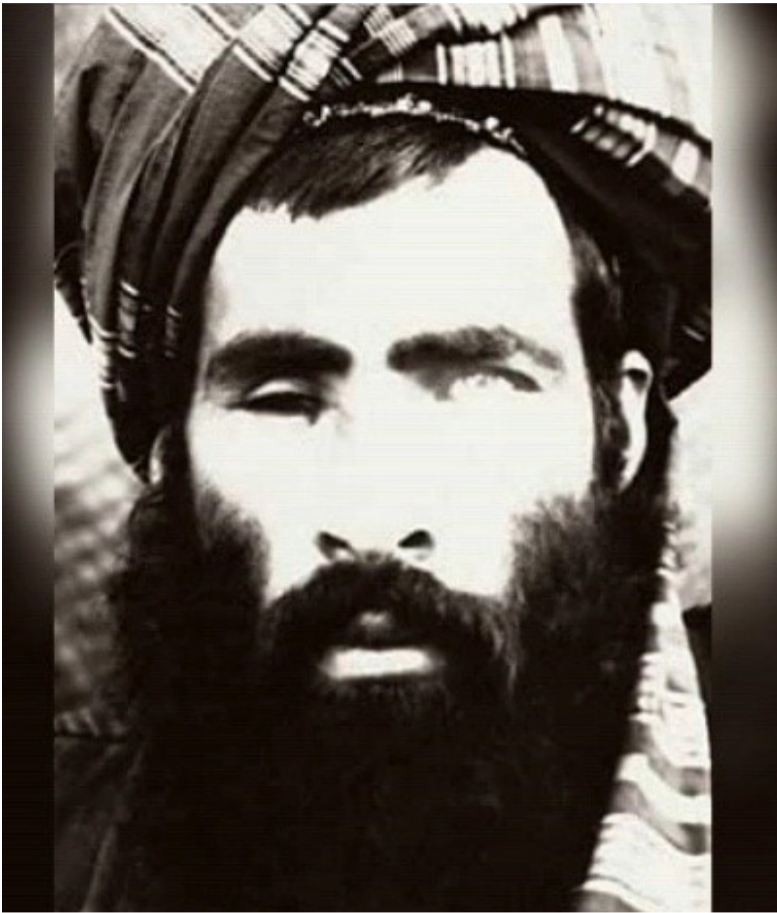
سازمان ملل متحد در گزارشی وضعیت حقوق بشری در افغانستان زیر تسلط طالبان را به بررسی گرفته است. این گزارش موارد مرتبط به محرومیت شهروندان افغانستان به‌ویژه زنان از حقوق اساسی آنان را مستند کرده است. در این گزارش آمده است: «مردم افغانستان، به‌ویژه زنان و دختران از داشتن حقوق کامل انسانی خود محروم‌اند.»

قطر در امضای موافقت‌نامه دوحه میان ایالات متحده امریکا و طالبان نقش موثری داشت. دوحه، پایتخت این کشور، بیش از دو سال مرکز دیپلماسی طالبان بود و در تازه‌ترین مورد نیز از نشست سازمان ملل متحد با نماینده‌گان ویژه بیش از ۲۰ کشور جهان در مورد افغانستان میزبانی کرد. طالبان در ۲۱ ماه گذشته با وجود تلاش‌های فراوان در هم‌سویی با کشورهای حامی‌شان، موفق نشده به‌عنوان حکومت مشروع از سوی جامعه جهانی پذیرفته شوند. نخست‌وزیر قطر در جریان سفر به افغانستان، به مرکز فرمان‌روایی طالبان در قندهار نیز رفته است. به باور تحلیل‌گران، او حامل پیام مهمی به رهبر طالبان بوده است. تحلیل‌گران سیاسی به این باورند که محتوای این پیام ممکن نتایج نشست سازمان ملل بوده که حدود ۱۰ روز پیش در قطر برگزار شده بود. رهبر طالبان در جریان دست‌کم دو سال گذشته به‌گونه رسمی با هیچ مقام خارجی دیدار نکرده و نماینده‌گان کشورها و معاون سازمان ملل متحد نیز نتوانسته پیام‌شان را به‌گونه مستقیم به او برسانند. هرچند منابع از میان چهره‌های سیاسی در قندهار احتمال می‌دهند که رهبر طالبان با این مقام قطری دیدار رویه‌رو داشته، اما منابع محلی می‌گویند که «ملای کلان» با نخست‌وزیر قطر ملاقات نکرده است. در اعلامیه وزارت خارجه قطر نیز به این موضوع اشاره نشده است.

پس از سقوط افغانستان به دست طالبان، محمد بن عبدالرحمان آل‌ثانی، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر، نخستین مقام بلندپایه خارجی است که به افغانستان سفر می‌کند. او روز جمعه، ۲۲ تیر، با عبدالله الخلیفی، رییس استخبارات این کشور، به مرکز فرمان‌روایی رهبر طالبان به قندهار رفته تا پیام امیر خود را به امیر طالبان برساند. سخنگویان طالبان، تصاویری از جریان دیدارهای این مقام‌های بلندپایه قطر با ملا محمدحسن آخوند، رییس‌الوزرا و امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه این گروه منتشر کرده‌اند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، روز جمعه، ۲۲ تیر، در رشته‌توییتی نوشته است که رییس‌الوزرای این گروه با نخست‌وزیر قطر در مورد استحکام روابط و افزایش اعتماد گفت‌وگو کرده است. براساس توییت مجاهد، مقام‌های قطری و طالبان در مورد کمک‌های دولت قطر در بخش‌های آموزشی، پزشکی و اقتصادی نیز صحبت کرده‌اند. افزون بر این، در خبرنامه طالبان گفته شده که وزیر خارجه قطر حامل پیامی از سوی امیر قطر به رهبران این گروه بوده است. رییس‌الوزرای طالبان از قطر خواسته است تا در تقویت اعتماد بین جامعه جهانی و افغانستان نقش بیشتری ایفا کند. هنوز روشن نیست که نخست‌وزیر قطر با ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، دیدار داشته است یا خیر؛ اما منابع به ۸ صبح می‌گویند که او با «ملای کلان» (ملا هبت‌الله آخوندزاده) دیدار نکرده است. به قول منابع در قندهار «ملای کلان با کسی نمی‌بیند.»

وزارت خارجه قطر نیز روز جمعه، ۲۲ تیر، با انتشار بیانیه‌ای خبری گفته است که نخست‌وزیر این کشور



چگونه مالی کم‌سواد قندهاری ناگهان «امیرالمومنین» شد؟

بیوسنی

ملا محمد عمر، بنیان‌گذار طالبان، پیش از آن‌که دست به تأسیس گروه خود بزند ملای کم‌سواد و بی‌خبر از جهان بود که در یکی از مناطق دورافتاده قندهار به کودکان درس می‌داد. نه شخصیت کاریزماتیک داشت و نه از دانش یا بیان فصیح و بلیغ بهره‌ور بود و نه پیروزی بزرگی در زنده‌گی‌اش به دست آورده بود. گفته می‌شود که او مدتی در جنگ‌ها علیه شوروی شرکت کرده و در اثر آن زخم برداشته و همچنین یک چشمش را از دست داده بود. هواداران سینه‌چاکش می‌گویند که او به حدی شجاع بود که چشم آسیب‌دیده و خونینش را از کاسه سرش کشیده و دور انداخته بود. احتمال دارد داستان جنگیدن وی علیه ارتش سرخ نیز از بر ساخته‌های هوادارانش باشد. اصل پرسش این است که چه شد که چنین شخصی ناگهان به محور قدرت در افغانستان تبدیل و «امیرالمومنین» شد؟ دوستان ملا عمر در میان گروه طالبان، رهبر شدن وی را به عوامل غیبی نسبت می‌دهند. اخیراً در محفلی که طالبان به مناسبت سالروز مرگ ملا محمد عمر، بنیان‌گذار طالبان، در کابل برگزار کرده بودند، مقام‌های ارشد طالبان سخنرانی کردند و در فضایل ملا عمر داستان‌ها پرداختند. ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، در مورد پدرش گفت که خدا وی را به رهبری برگزیده بود. سخنران دیگر گفت: وقتی بیشتر از هزار ملا به ملا عمر بیعت کردند، به استقبال از این حادثه، خروس‌های قندهار آواز دسته‌جمعی خواندند. از این گونه داستان‌سازی‌ها در میان طالبان به‌وفور یافت می‌شود و ما تنها به بخش کوچکی از آن از طریق رسانه‌ها دسترسی یافته‌ایم.

این داستان‌سرایی‌ها درباره ملا عمر پس از مرگش صورت نگرفته، در زمان زنده‌گی‌اش نیز شبیه این داستان‌ها در میان هوادارانش دست‌به‌دست می‌شده است. ملا احسان‌الله احسان یکی از فرماندهان طالبان بود که در همان اوایل در شمال افغانستان کشته شد. گفته می‌شود که وی اولین کسی بود که رهبر طالبان را به لقب «امیرالمومنین» یاد کرد و سپس این لقب جا افتاد و شایع شد. ملا احسان‌الله در گفت‌وگو با هیاتی از ملاحای پاکستان

که به افغانستان آمده بودند، ادعا کرده بود که ظهور طالبان در اثر الهامی صورت گرفت که در خواب محصل علوم دینی آمده بود. او چنین گفته بود: «یکی از خلیفه‌های شیخ محمد ابراهیم مجددی (این مجددی صاحب خانقاه معروف در کابل بود و در اوایل سلطه کمونیست‌ها بازداشت و سر به نیست شد) در خواب دید که اسلام با چهره زیبا و نورانی به نزد ربانی، مسعود و حکمتیار آمد و از آن‌ها خواست که از آن دفاع و پاسداری کنند، ولی همه آن‌ها از این کار پوزش خواستند. بعد از آن، اسلام با همان صورت زیبا به نزد یک طالب در یکی از مدارس دینی رفت و از او خواستار حمایت شد. آن محصل گردنش را به او پیش کرد و اظهار کرد که آماده قربانی در راه اسلام است. اسلام گفت که بله به فداکاری و قربانی دادنت نیاز دارم. این مژده و دیگر مژده‌ها سبب شکل‌گیری تحریک طالبان شد» (من حلم الملا الی إمامة المومنین، مولوی حفیظ‌الله حقانی، ص ۱۰۲).

جزئیات داستان شکل‌گیری و گسترش گروه طالبان در دهه ۹۰ و همچنین ماجرای بازگشت آن در اگست ۲۰۲۱، در غالب اوقات با ابهام و غموض و پیچیده‌گی همراه بوده است. با آن‌که تا کنون کتاب‌های پرتعدادی به پژوهش درباره این گروه اختصاص یافته، هنوز هم ناگفته‌هایی در این زمینه وجود دارد. یکی از آن مواردی که در خصوص آن، حرف و حدیث‌ها بسیار است حادثه رهبر و امیرالمومنین شدن ملا عمر است.

احمد فال‌الدین، گزارش‌گر تلویزیون قطری الجزیره، درباره گروه طالبان و بنیان‌گذار آن، کتابی نوشته به نام «حجر الأرض» و آن را پس از پیروزی طالبان نشر کرده است. نویسنده کتاب، هوادار دواتشه طالبان است و از این‌رو، در سراسر کتابش سخنی خلاف روایت رسمی طالبان مطرح نکرده است. در هر حال، به منظور آن‌که پرتوی به ماجرای امیرالمومنین شدن ملا عمر تابانده شود، از کتاب یادشده ماجرای را نقل می‌کنم.

در اواخر مارچ ۱۹۹۶ و پس از آن‌که طالبان قندهار و مناطق مجاور آن را به تصرف خود درآوردند، تحریک طالبان از ۱۲۰۰ ملا دعوت کرد به قندهار بیایند.

ملا عمر شخص مرموز،

گوشه‌گیر و منزوی بود و در

گردهمایی‌ها چندان دیده نمی‌شد.

عکس‌گیری و فلم‌برداری را حرام

می‌دانست و به همین دلیل، در

کل زنده‌گی‌اش فقط یک تصویر

معتبر از او باقی مانده است.

پررمزوراز بودن ملا عمر زمینه

را برای گسترش شایعه‌ها و

افسانه‌ها در میان هوادارانش

فراهم آورده و از او قدیس

ساخته است. ملا هبت‌الله

آخوندزاده، رهبر فعلی طالبان، هم

با الگوگیری از ملا عمر می‌کوشد

هاله‌ای از تقدس و ابهام را در

پیرامون شخصیت خود ایجاد کند.

مردان عمامه‌دار ریش‌دراز از مناطق گوناگون به قندهار سرازیر شدند تا راجع به سرنوشت و آینده افغانستان تصمیم بگیرند. در این جرگه ملایی به چند پرسش باید پاسخ داده می‌شد: آیا از نظر شرع اعلام جهاد علیه حکومت برهان‌الدین ربانی که قدرت را در کابل در دست دارد رواست؟ چه کسی باید این فتوا را صادر کند؟ حکم آموزش و کار زنان از منظر اسلام چیست؟ روزها پشت سر هم می‌گذشت و جرگه شاهد گفت‌وگوها و مباحثات طولانی بود، اما ۱۲۰۰ ملا نمی‌توانستند به نتیجه یگانه دست یابند.

ملا عمر در این فکر بود که چه طور ملاحای جرگه را انسجام بدهد و از چه ابزاری برای متحد کردن آنان بر یک قول بهره گیرد. یادش آمد که در چند کیلومتری محل برگزاری این جرگه خرقة و عبایی در صندوق طلایی وجود دارد و او می‌تواند از آن برای رسیدن به هدفش استفاده کند.

ملا محمد عمر پس از مذاکره با مجاوران خرقة مبارک، موفق شد وارد زیارت شود و به خرقة دست یابد. شاه‌ولی، مجاور خرقة، به نیویارک‌تایمز گفته است: «وقتی ملا عمر به زیارت وارد شد و چشمش به خرقة افتاد، دچار رعشه شد. وقتی می‌خواست نماز بخواند از شدت وارخطایی در تشخیص قبله دچار اشتباه شد. شاه‌ولی رویش را به‌سوی مکه چرخاند.» ملا عمر خرقة را گرفت و از رادیو «صدای شریعت» از مردم خواست که به دیدن خرقة پیامبر خدا بیایند. مردم از چندین شهر به دیدن خرقة آمدند. باور مردم به این است که این خرقة مربوط به پیامبر اسلام است و آن را امیر بخارا به احمدشاه درانی هدیه کرده است. در طول بیشتر از ۲۵۰ سال، این پارچه لباس فقط سه بار از صندوق بیرون کشیده شده است. یک بار زمانی که امان‌الله خان می‌خواست قبایل را برای جنگ آماده کند؛ بار دوم وقتی که در سال ۱۹۳۹ ویا در قندهار شیوع یافته بود و سومین دفعه در سال ۱۹۹۶ به دست ملا عمر.

در بامداد چهارم اپریل ۱۹۹۶، ملا عمر از بالای ساختمان‌های ظاهر شد. همه ملاحای شرکت‌کننده در جرگه به سویش نگاه می‌کردند. در حالی که خود را در عبای پیامبر خدا پیچانده بود به سخنرانی پرداخت، سپس عبا را در دستش بالا گرفت تا همه آن را ببینند. پیچ و فریاد از همه جا برخاست و حاضران به گریه افتادند. بعضی از حاضران عمامه یا کلاه خود را در تلاش برای این که لباس‌شان با لباس پیغمبر خدا متبرک شود به بالا انداختند. کسانی در این گردهمایی با آواز بلند خطاب به ملا عمر صدا کردند: امیرالمومنین! امیرالمومنین! از همان روز به بعد ملا عمر ملقب به «امیرالمومنین» شد. پیش از آن هم، شماری از نزدیکان ملا محمد عمر، «امیرالمومنین» صدایش می‌کردند، ولی بعد از آن‌که شمار زیادی از مردم در این گردهمایی از وی در حالی که جامه رسول خدا را در برداشت به‌عنوان «امیرالمومنین» یاد کردند، وی رسماً امیرالمومنین شد.

برکشیده شدن ناگهانی ملا عمر برخاسته از عوامل متعدد است. قطعاً عامل خارجی و استخباراتی در بزرگ شدن ملا عمر نقش موثر داشت. با این‌حال، عامل‌های دیگر را نمی‌توان از چشم دور داشت. در این میان، به مدت دو دهه‌ای که وی رهبری طالبان را بر دوش داشت، افسانه‌هایی در مورد او ساخته شده بود تا به وی کمک کند بدون درد سر سازمان متبوعش را مدیریت کند. اگرچه گفته می‌شود که در دوران زندگی مخفیانه ملا عمر پس از ۲۰۰۱، ارتباطش با وقایع بیرونی قطع شده بود و تسلط

چندانی بر اوضاع نداشت، لیکن این مقدار مسلم است که وی تا آخرین لحظات زنده‌گی‌اش به‌عنوان رهبر معنوی طالبان شناخته می‌شد و هیچ‌کسی به خود حق نمی‌داد از اوامر او سرپیچی کند.

استراتژیست‌هایی که نزدیک به سی سال پیش طالبان را روی صحنه آوردند، به‌درستی نسبت به جامعه افغانستان شناخت شافی و وافی داشتند. آن‌ها دریافته بودند که ساکنان کشور به علت جهل و بی‌سوادی، فقر فرهنگی، فقدان تفکر انتقادی و پابندی به خرافاتی که به‌نام دین رواج می‌یابد، به آسانی ممکن است شکار افسانه‌های ماوراءطبیعی شوند و صحنه‌سازی‌های قلابی را باور کنند. آن‌ها دانسته بودند که مردم افغانستان را می‌توان با طرح شعارهای دینی و افسانه‌سرایی‌های غیبی فریب داد. بنابر گزارش‌های تاریخی، زمانی که سران قبایل طی مراسمی احمدشاه درانی را به‌عنوان کلان خود تعیین کردند، این کار را در فضای کاملاً روحانی و دینی صورت دادند. شخصی به‌نام صابرشاه کابلی که از پیران مشهور طریقت در آن زمان بود، ساقه گندم را بر دستار احمدشاه نصب کرد و در چنین فضای، درانی به شاهی رسید. به نظر می‌رسد که سناریونویسان طالبان، در روزهای بیعت ملاحا با طالبان در بهار ۱۹۹۶، نیم‌نگاهی به سرگذشت احمدشاه ابدالی هم داشته و احتمالاً از آن الگوبرداری کرده‌اند.

اکنون که طالبان به پیروزی رسیده‌اند نیاز دارند در ذهن و ضمیر مردمی که عضویت گروه‌شان را ندارند نیز روایت خود از دین و جهان را بقبولانند. آن‌ها تصور می‌کنند که داستان‌سرایی و خلق روایت‌های ماوراءطبیعی یکی از راه‌های کوتاه برای مطیع کردن رعیت است. این همه تاکید طالبان بر معنویت و مقام شامخ روحانی ملا عمر بیانگر این است که هنوز هم طالبان برای تقویت روایت خود به ملا عمر ضرورت احساس می‌کنند. مردم عوام افغانستان ناتوان‌تر از آن هستند که صحیح و سقیم را از هم تمیز دهند و برخورد انتقادی با روایت‌های متفاوت داشته باشند. روایت‌های این چنینی به فراخور درک توده‌ها ساخته شده و به‌آسانی می‌تواند در فکر مردم رسوخ کند.

ملا عمر شخص مرموز، گوشه‌گیر و منزوی بود و در گردهمایی‌ها چندان دیده نمی‌شد. عکس‌گیری و فلم‌برداری را حرام می‌دانست و به همین دلیل، در کل زنده‌گی‌اش فقط یک تصویر معتبر از او باقی مانده است. پررمزوراز بودن ملا عمر زمینه را برای گسترش شایعه‌ها و افسانه‌ها در میان هوادارانش فراهم آورده و از او قدیس ساخته است. ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر فعلی طالبان، هم با الگوگیری از ملا عمر می‌کوشد هاله‌ای از تقدس و ابهام را در پیرامون شخصیت خود ایجاد کند. او هم مانند ملا عمر از پخش شدن تصویرش توسط رسانه‌ها ابا می‌ورزد. ظاهر نشدن ملا هبت‌الله در برابر دوربین رسانه‌ها برخاسته از نگرانی‌های امنیتی هم است، اما دسترس‌ناپذیر بودن رهبر این مزیت را دارد که ابهت و عظمت وی را در میان هواداران بیشتر می‌کند، مخصوصاً اگر آن رهبر متعلق به سازمانی باشد که فردمحور است و همه صلاحیت‌ها و قدرت در دست یک نفر گرد آمده است. چنین سازمان‌هایی برای پارچه‌پارچه نشدن خود به رهبران پرقدرت نیاز دارند. بعضی اوقات شماری از صاحب‌نظرانی که دغدغه اصلاح و بهبود وضع جامعه را دارند و قصد دارند راه‌های میان‌بر و کم‌هزینه را برای قرار گرفتن کشور در مسیر توسعه و تکامل بیابند، این موضوع را پیش می‌کشند که شیوه درست مقابله با افراط‌گری و خشونت، روی آوردن به افکار و عقاید عرفانی و تصوفی است. در وهله اول، این حرف قابل قبول به نظر می‌رسد؛ اما اگر مورد طالبان را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که قسمت بزرگی از نیروهای طالب به سلسله‌های تصوفی و خلیفه‌های طریقت وابسته هستند؛ اما نه تنها از خشونت و افراط‌گری‌شان چیزی کاسته نشده بلکه این گروه در خشونت‌ورزی گوی سبقت را از دیگران ربوده است. شاید فقط گروهی که حق داشته باشد خود را در خشونت‌گستری رقیب طالبان بدانند گروه داعش است. با توجه به این نکته می‌توان مدعی شد که اندیشه‌های عرفانی و تصوفی در شوره‌زار افغانستان حاصل سودمندی نمی‌دهد. این سرزمین عقب‌مانده هر فکری را به رنگ خود درمی‌آورد و به سرعت آن را به تباهی و آلودگی می‌کشاند.

زنان صنعت پیشه غور از نبود بازار برای فروش محصولات شان شکایت دارند



غور

زنان صنعت پیشه در غور که روزگاری با فروش صنایع دستی عاید خوبی به دست می‌آوردند، اکنون از نبود بازار برای فروش دست‌دوزی‌های شان شکایت دارند. آنان می‌گویند که از دو سال به این سو بازار صنایع دستی در کشور بی‌رونق شده است. این زنان که بیشتر آنان نان‌آور خانواده‌های خود هستند خاطر نشان می‌سازند که اکنون در وضعیت بد اقتصادی به سر می‌برند. از سوی دیگر، فقر و بیکاری در دو سال گذشته همه شهروندان را زیر فشار قرار داده است. گزارش‌ها می‌رسانند که بیش از سه چهارم شهروندان افغانستان زنده‌گی خود را با دریافت کمک‌های بشردوستانه به پیش می‌برند.

سیما، یکی از زنان صنعت پیشه در غور است که نزدیک به هشت سال می‌شود از هنر دست‌دانش برای خانواده هشت نفری خود نان‌آوری می‌کند. او در صحبت با

روزنامه ۸ صبح می‌گوید که باشندگان غور علاقه‌ای به خرید صنایع دستی ندارند. سیما می‌افزاید: «هشت سال است که مصروف خامک‌دوزی هستم، دو سال پیش وقتی یک یخن تمام می‌شد، فوراً فروخته می‌شد، اما حالا تمام یخن‌هایی که دوخته شده در خانه است و کسی نمی‌خرد.»

سیما توضیح می‌دهد: «یخن‌های خامک‌دوزی مردانه پُردوز اگر بود یک یخن به پنج هزار می‌دوختیم و اگر دوخت آن کم بود تا یک هزار و یک هزار و پنج صد افغانی هم خامک‌دوزی می‌کردیم. هیچ کسی یخن فرمایش نمی‌دهد. خودم که چند تایی برای فروش دوخته بودم تا حالا در خانه مانده است.»

فاطمه، صنعت پیشه دیگری است که از پنج سال به این سو مصروف کارهای صنایع دستی می‌باشد. او می‌گوید: «کرشلی می‌کنم، گل‌دوزی به روی لباس، شال، دسترخوان، دستمال، بالشتک، روی میزی که حالا کسی نمی‌خرد و مثل سابق به ولایت‌های دیگر

هم نمی‌رود.» فاطمه می‌افزاید که تولیدات او به علت سرد شدن بازار صنایع دستی، کمتر شده است. او می‌گوید که در سال‌های گذشته علاوه بر این که صنایع دستی آنان در داخل غور بازار خوبی داشت، از ولایت‌های دیگر کشور نیز فرمایش می‌رسید. فاطمه علاوه می‌کند که بیش‌ترین صنایع دستی را که او تولید می‌کرد برای جهیزیه تازه‌عروسان بود. این صنعت پیشه اضافه می‌کند: «یک کسی که عروسی‌اش نزدیک می‌شد می‌آمد دستمال، بالشتک، روی بکسی، خورجین قالینی و غیره فرمایش می‌داد و همراه خود جهیزیه می‌برد، اما حالا هیچ کسی به‌شمول کسانی که عروس می‌شوند از این چیزهایی که ما تیار می‌کنیم نمی‌برند به خاطر این که وضعیت اقتصادی شان خوب نیست.»

خامک‌دوزی، گل‌دوزی، پلبوار، کرشلی، موره‌دوزی، خورجین قالینی، پول بالشت، چرمه‌دوزی، تارشمار و دستکش‌ها از صنایع دستی معروف زنان در غور است. در سال‌های گذشته زنان زیادی از رهگذر تولید و فروش این صنایع، نفقه خانواده‌های خود را تأمین می‌کردند. زنان صنعت پیشه توضیح می‌دهند که در دوره جمهورییت بیشتر جوانان برای تجلیل از عید، نوروز و همچنان برای اشتراک در محافل خوشی یخن‌های خامک‌دوزی فرمایش می‌دادند. اکنون با بدتر شدن وضعیت اقتصادی در کشور، جوانان شوق و توان خرید دست‌دوزی‌ها را ندارند.

صنایع دستی زنان غور که زمانی به دلیل وضع اقتصادی خوب شهروندان بازار مناسبی داشت در بدل بهای بلندی به فروش می‌رسید. باشندگان غور نیز شوق و علاقه خاصی به لباس‌های خامک‌دوزی

دارند. هر یخن خامک‌دوزی مردانه بین یک هزار و پنج صد تا پنج هزار افغانی، لباس‌های پلبوار تا پنج هزار افغانی، قدیفه یا شال تا چهار هزار افغانی و لباس‌های گل‌دوزی نیز بین دو تا پنج هزار افغانی به فروش می‌رسید. اکنون اما باشندگان غور و بیشتر شهروندان کشور به دلیل وضعیت ناگوار اقتصادی این هزینه‌ها را اضافی و غیرضروری توصیف می‌کنند. پیش از این، مالکان خیاطی‌ها در غور نیز از نبود کار شکایت کرده‌اند. به گفته آنان، حتی در نزدیکی عید و نوروز هم گیروبار گذشته را ندارند.

زنان صنعت پیشه در غور در حالی از کساد بازار صنایع دستی شکایت دارند که فقر در دو سال پسین شهروندان کشور را زیر گرفته است. بررسی سازمان‌های جهانی نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد شهروندان افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. بیشتر جوانان به دلیل بیکاری و فقر از خرید کالاهای غیرضروری خودداری می‌کنند.

آخیم اشتاینر، مدیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت بد زنده‌گی در افغانستان گفته که هرگز گواه فروپاشی اقتصادی به این گسترده‌گی نبوده است. برنامه توسعه‌ای سازمان ملل متحد به تازه‌گی گزارشی را نشر کرده که تصویری از وضعیت دشوار زنده‌گی در افغانستان را نشان می‌دهد. در این گزارش آمده که بدون آزادسازی دارایی‌های افغانستان که در ایالات متحده امریکا نگهداری می‌شود، بهبود وضعیت افغانستان دور از انتظار است. مقام‌های امریکایی اما پیش از این گفته‌اند تا زمانی که طالبان به تعهدات خود طبق موافقت‌نامه دوحه عمل نکنند، دارایی‌های افغانستان را آزاد نخواهند کرد. تشکیل حکومت همه‌شمول، قطع روابط طالبان با گروه‌های تروریستی و رعایت حقوق بشر و حقوق زنان از پیش‌شرط‌های ایالات متحده امریکا برای آزادسازی پول‌های مسدود شده افغانستان است.

«زن طالب»؛ روایت دختری که موفق به فرار نشد

ف س



روزها، طلوع و غروب آفتاب برای نسترن یک رنگ داشت: خاکستری.

خواب و بیداری نسترن یکی شده بود. تا حرف طالب زده می‌شد، رنگش سفید می‌گشت و چشمانش از حدقه بیرون می‌زد. می‌گفت: «من درس نخواندم، مکتب نرفتم، با دختران هم‌بازی نشدم، سر زمین‌ها به گشت زنی و کار نرفتم. خانواده‌ام داروندارش را به‌خاطر من از دست دادند. پدرم شانه‌اش خم شد و مادرم مجبور شد از نو زنده‌گی‌اش را بسازد. تماشش به‌خاطر فرار از طالب بود.»

نسترن زنده‌گی‌اش و نوجوانی‌اش را در حبس خانه‌گی به سر برد. خانواده‌اش داروندار خود را قربانی زنده‌گی دخترشان کردند. همه این‌ها فقط یک دلیل داشت: نسترن به دست طالب نیافتد. نسترن زن طالب نشود. آن روزها نسترن می‌گفت: «ما مریدم تا دوباره کمی زنده‌گی را بچشمیم. می‌ترسم همه چیز حیف شود.»

حیف شد. کابوس خانواده نسترن یک روز سیلی محکمی به زنده‌گی‌شان زد. ترس‌های‌شان به واقعیت تبدیل شد. دروازه تک‌تک می‌شود، رنج‌های ارتش که هنوز رنگ سیاه نگرفته‌اند، پشت در خانه صف می‌بندند. طالبان خانه را محاصره می‌کنند و چند طالب دیگر با سوغات‌های‌شان وارد خانه می‌شوند. مادر نسترن می‌گوید: «نفسم بند آمده بود. دیگر کاری از دست‌مان ساخته نبود. پدر نسترن در مجلس آن‌ها رفت و من دخترم را دلداری می‌دادم. برایش از تقدیر و قسمت حرف می‌زد. بیچاره شدیم.» سال‌ها دویدند تا به محل امن برسند، اما محل امن، گم‌شده زنده‌گی‌شان شده بود. سرانجام به سیاه‌چاله‌ای که نمی‌خواستند، افتادند. نسترن لاغر و ضعیف شده است. دست‌هایش زمخت و سیاه گشته‌اند. تمام کار خانه شوهرش را انجام می‌دهد. او هم مجبور است کار خانه را انجام دهد و هم برای این که وقت را بگذرانند، خودش را در کار خانه مصروف می‌کند. او توضیح می‌دهد: «فامیل‌شان بزرگ است. همیشه مهمان می‌آید. و من به‌عنوان تازه‌عروس باید کارهای زیادی انجام دهم.» کار خانه نسترن را خسته نمی‌کند، نه چون خوشش می‌آید، فقط برای این که مصروفیت دیگری ندارد. در مورد زنده‌گی‌اش می‌پرسد. لب‌هایش می‌لرزد و می‌گوید: «خوار جان، زنده‌گی چه؟ کل عمرم حرام شده. نصفش در ترس طالب رفت و دیگرش را هم ویران‌شده فکر کن. فقط خدا می‌فهمد جگرم چقدر پاره است.»

کنیم.» و برای همین خانه و کاشانه‌شان را ترک کرده، به قصد این که از دست طالبان فرار کنند، به شهر دیگری کوچ کردند.

خانواده نسترن یک مدت راحت بودند و فکر می‌کردند که دیگر دست طالبان به آن‌ها نمی‌رسد. نسترن از ترس این که کسی شناسایی‌اش نکند، به مکتب لیسبه که میان چند منطقه مشترک بود، نرفت. او به همان درس و سواد کمی که داشت، بسنده کرد. نسترن می‌گوید: «ما از صفر شروع کردیم، غریب و نادار هستیم، دیوار ما کاهگلی است و فرش‌های‌مان پلاستیکی و زود زود مال جدید هم به خانه نمی‌آوردیم.» با آن که زنده‌گی نسترن مخفیانه بود و پدرش هم توانایی آن را نداشت که به منطقه دورتر برود، دل را به این خوش کرده بودند که کمی از چشم طالبان دور مانده‌اند و اگر کسی راپور ندهد، آن عضو گروه طالبان دیگر پشت‌شان را رها خواهد کرد.

بعد از گذشت دو سال خبری از طالب نشد، و خانواده نسترن فکر کردند که یا در جنگ مرده است یا دیگر در جست‌وجوی این خانواده نیست. همین گمان‌ها سبب می‌شد نفس راحت بکشند. مادر نسترن همیشه می‌گفت: «قالین زیر پای ما نداریم، ولی دخترم را دارم، یک تار مویش را به طالب نمی‌دهم.» این حرف‌ها را با غرور می‌گفت. تمام دارایی‌شان را ترک کرده بودند تا دخترشان به دام طالب نیافتد.

اما خوش‌حالی خانواده نسترن زیاد دوام نکرد. سایه شوم همه جا افتاد. طالبان تمام مناطق را اشغال کردند. خانه‌به‌خانه سنگر گرفتند. ترس و وحشت دوباره سراغ این خانواده آمد. یک روز خبر رسید که همان طالبی که خواستگار نسترن بوده، سرکرده یک گروه بزرگ طالبان شده است. حالا برایش لقب «غازی» و «ملا» را می‌دهند. این حرف‌ها بیش از پیش زنده‌گی نسترن و خانواده‌اش را تیره‌وتر ساخت.

نسترن را پیش از این که به دست طالبان بیافتد، دیده بودم. رنگ‌پریده و خسته بود. نوجوانی‌اش را در سیاهی گذرانده بود و سایه ترس جوانی‌اش را در بر گرفته بود. دندان‌هایش را به‌هم می‌سایید. می‌گفت: «او طالب وحشی نمرده، هنوز می‌گویند در پشتم است.» انگار قیامت نزدیک باشد. سقوط کشور، برای نسترن سقوط زنده‌گی‌اش بود، دیگر نه دست‌گیری داشت و نه جایی که به آن پناه ببرد. پدرش کار بی‌ثباتش را هم از دست داده بود. برادر جوانی هم نداشت که کارگری کند. آن

ساکت است و حرفی نمی‌زند، از آن دختر شوخ و شنگ سابق خبری نیست. حال میان قوم خودش به «زن طالب» و میان قوم شوهرش (طالب) به «زن ملاح‌صاحب» مشهور است. اسمش را که می‌گیرم، با نابلدی می‌بیند. نسترن را از زمان‌هایی که کوچک بود، می‌شناختم. گاهی که به قریه‌شان می‌رفتم، با هم بازی می‌کردیم و سر زمین‌های مردم قدم می‌زدیم. دختر کوچک اما با آرزوهای بلند بود، قدش بیشتر از سنش بلند شده بود و همیشه می‌گفت: «این قد مرا از هر کار مانده.» در چهارده‌ساله‌گی‌اش، طالبان پشت در به خواستگاری آمدند، پدرش قبول نکرده بود و به بهانه این که دخترش هنوز «کوچک و ناکاره» است، طالبان را برای مدتی جواب رد داده بود تا برای خودش وقت بخرد.

بعد از گریختن‌های بسیار، سرانجام نسترن را به جهنمی که برایش طالبان تدارک دیده بودند، می‌برند. به خانواده نسترن یک مقدار پول ناچیزی را دادند و رضایت‌شان را با زور سلاح گرفتند. از زمانی که نسترن پیش طالبان است، یک‌ونیم سال می‌گذرد. یک‌ونیم سالی که برای نسترن زنده‌گی نیست، جان‌کندن است. نسترن را بعد از مدت‌ها، به‌گونه تصادفی می‌بینم. در نخست دچار شک و تردید می‌شوم که این نسترن باشد. دل و نادل نزدیکش می‌روم، خودش هست. چشم‌هایش از سیاهی حلقه زده است. خطوط صورتش برجسته شده است. حالت چهره‌اش محزون‌تر از همیشه است. تا صدایش می‌زنم، با نگاهی که در آن شوق و بیگانگی با هم می‌جوشد، می‌گوید: «نامم را بگیر. نامم را بگیر. پشت نامم دق شدیم.» مدت‌هاست که نسترن را «زن ملاح‌صاحب» صدا می‌زنند.

خانواده نسترن هرکاری که برای فرار از طالبان از دست‌شان ساخته بود، انجام داده بودند. بعد از واقعه خواستگاری، پدر نسترن یک شب بدون آن که به کسی اطلاعی دهد، خانواده‌اش را گرفته به منطقه دیگری کوچ کرد. نسترن می‌گوید: «تمام وسایل‌مان آن جا ماند، زمین‌های‌مان را ترک کردیم. مادرم به تنهایی توانسته بود بعد از سال‌ها خانه‌مان را سرورسامان دهد. اما همه چیز را آن شب ترک کردیم.» نسترن هر باری که از خانه‌شان یاد می‌کرد، مثل کودک کوچکی هق‌هق گریه می‌کرد. «پدر و مادرم به من زیاد چیزی نمی‌گفتند، فقط می‌فهمیدم که یک طالب پشت من را گرفته و باید فرار

تروریسم علیه تروریسم؛

طالبان در دوراهی توحش و اهله شدن



رهبران طالبان حالا بر سر دوراهی دنبال کردن رویاهای تندروانه اسلامی‌شان و کوبیدن بر دهل جهاد جهانی، و یا سازش با جهان معاصر مبتنی بر قوانین و معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی قرار دارند و نمی‌توانند یکی را انتخاب کنند.

اگر دنیال رویاهای اسلامی‌شان و کوبیدن بر دهل جهاد جهانی، و یا سازش با جهان معاصر مبتنی بر قوانین و معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی قرار دارند و نمی‌توانند یکی را انتخاب کنند.

می‌رود، سعی دارد خیالش را از بابت سرکوب تروریستان اوغور در خاک افغانستان نیز راحت کند. طالبان که به حمایت چین برای احیای سیستم اقتصادی ویران و ورشکسته افغانستان و همین‌طور حمایت سیاسی بیجینگ در سطح منطقه‌ای و جهانی نیاز دارند، به این خواست چین جواب مثبت داده‌اند و چاره‌ای هم ندارند. این کشور مدت‌ها است به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌المللی نقش اقتصادی و سیاسی بسیار برجسته‌ای بازی می‌کند که هیچ کشوری نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. طالبان که زیر فشار جدی غربی‌ها قرار دارند، مجبورند به خواست‌های چین تن دهند تا دست‌کم در درگیری با قدرت‌های غربی متحد قدرتمندی را در کنار خود داشته باشند.

در حال حاضر افزون بر چین، روسیه، ایران و پاکستان نیز نقش متحدان منطقه‌ای طالبان را بازی می‌کنند که آنان نیز در نزدیک به دو سال پس از به قدرت رسیدن این گروه در افغانستان، خواست‌هایی را مطرح کرده‌اند و توقع برآورده شدن آن‌ها را از سوی طالبان دارند. در صدر این خواست‌ها مبارزه با گروه‌های تروریستی متعددی است که هم‌اکنون در افغانستان لانه‌های امن دارند. هر بار که این خواست‌ها از جانب کشورهای منطقه مطرح شده است، طالبان اطمینان داده‌اند که در مبارزه با داعش و سایر گروه‌های هراس‌افکن ثابت قدم هستند و اجازه نمی‌دهند که این گروه‌ها منافع ملی کشورهای منطقه را از خاک افغانستان مورد تهدید قرار دهند. اما آیا گروه طالبان واقعاً در مبارزه با سازمان‌ها و شبکه‌های هراس‌افگنی که پیوند ایدئولوژیک بسیار قدرتمندی با آن‌ها دارد و جدایی از این شبکه‌ها به‌مثابه خیانت نابخشودنی به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی‌اش است، قاطع و جدی عمل می‌کند

مزدک پارسی

چین به کمک ارتش پاکستان توانست از طالبان در زمینه مبارزه با جنبش اسلامی ترکستان شرقی ضمانت کتبی بگیرد. وانگ ونبن، سخنگوی وزارت خارجه چین، اخیراً در مورد نشست سه‌جانبه‌ای که با حضور امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، و وزیران خارجه چین و پاکستان در اسلام‌آباد برگزار شد، گفته است: «سه طرف بیانیه مشترکی صادر کردند و در مورد همکاری نزدیک‌تر در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و توسعه و در مورد راه‌های همکاری به توافق رسیدند. این اولین سند چندجانبه‌ای است که دولت موقت افغانستان در آن مشارکت داشته و اولین تعهد مکتوب طالبان افغانستان در مورد عدم تحمل اقدامات تروریستی و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی مانند جنبش اسلامی ترکستان شرقی (ETIM) است که برای توسعه روابط چین و افغانستان و همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم در منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است.»

سخنگوی وزارت امور خارجه چین تأکید کرده است که نشست سه‌جانبه اسلام‌آباد «تداوم حسن همجواری و همکاری عملی میان سه کشور در عصر جدید است و به حل سیاسی مساله افغانستان کمک می‌کند و جامعه بین‌المللی را برای تثبیت وضعیت افغانستان و کمک به این کشور ترغیب می‌کند.»

این می‌تواند دستاوردی برای چین باشد؛ کشوری که به‌عنوان متحد استراتژیک پاکستان چه پیش از سقوط حکومت پیشین و چه پس از آن، نقش لابی‌گر بین‌المللی برای طالبان را ایفا کرده است و حالا که وضعیت افغانستان به سود آن و متحد همیشه‌گی‌اش پیش

یا صرفاً این کار از تاکتیک‌های استراتژی بقاست و ممکن هرگز در عمل پیاده نشود؟

دو فرضیه را می‌توان این‌جا مطرح کرد: نخست، آنچه امیرخان متقی در اسلام‌آباد به آن متعهد شد و طالبان پیش از این نیز خود را به انجام آن مکلف دانسته‌اند، با اشاره ملا هبت‌الله انجام می‌شود تا جهان دست‌کم در ظاهر بداند که طالبان یک گروه محلی‌اند و علاقه‌ای به پیشبرد جهاد جهانی ندارند. در این صورت، رهبری طالبان می‌تواند با خیال راحت برنامه‌های بلندپروازانه جهادی‌اش را عملی کند. دوم، تعهداتی که افرادی مثل امیرخان متقی به جهان می‌دهند، در هماهنگی با رهبری طالبان صورت نمی‌گیرد و آنان همان‌گونه که در جریان گفت‌وگوهای دوحه تعهدات زیادی به جهان داده بودند و به هیچ‌یک از آن‌ها عمل نکردند، حالا نیز به این ترفند هرچند تا حدی از کار افتاده اما نه کاملاً بی‌اعتبار ادامه می‌دهند تا زمان بیشتری بخرند.

فرضیه نخست از این جهت می‌تواند معتبر باشد که رهبری طالبان نه تنها به گروه‌های تروریستی موجود در افغانستان با دیده نفرت نمی‌بیند بلکه این گروه‌ها را بخشی از پروژه جهاد جهانی‌اش می‌داند که در پی استحکام و تثبیت وضعیت در افغانستان، بعید نیست که ملا هبت‌الله و بقیه رهبران تندرو طالبان به عملی‌سازی آن بیندیشند. رویای برپایی جهاد جهان‌گستر و برقراری خلافت اسلامی در جهان را از شبکه القاعده و طالبان گرفته تا داعش، حزب تحریر و سایر گروه‌های تندرو اسلامی در سر می‌بروراند و حالا که در افغانستان «امارت اسلامی» برقرار شده است، اسلام‌یست‌ها برای تحقق این رویا یک گام جدی به پیش برداشته‌اند. پیروزی طالبان در افغانستان به تندروی اسلامی جان و

انرژی تازه بخشیده و آنان را بیشتر به موفقیت برنامه‌های بلندپروازانه‌شان امیدوار کرده است. اما آنچه را که رهبران طالبان و سازمان‌های تروریستی الهام‌گیرنده این گروه از درک آن عاجزند، غیرممکن بودن یک چنین پروژه‌ای در سطح جهانی و حتا منطقه‌ای است. برقراری خلافت اسلامی آن‌هم به سبک و سیاق بدوی داعش و طالبان حتا مورد پذیرش دولت‌های اسلامی منطقه نیست چه رسد به کشورهای غربی که همواره بر رعایت ارزش‌های جهان‌شمول دموکراسی و حقوق بشر تأکید می‌کنند.

رهبران طالبان حالا بر سر دوراهی دنبال کردن رویاهای تندروانه اسلامی‌شان و کوبیدن بر دهل جهاد جهانی، و یا سازش با جهان معاصر مبتنی بر قوانین و معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی قرار دارند و نمی‌توانند یکی را انتخاب کنند. اگر دنیال رویاهای اسلامی‌شان برونند، می‌توانند حمایت گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی در افغانستان و دیگر نقاط جهان را با خود داشته باشند؛ اما نمی‌توانند عمر سیاسی زیادی برای خودشان بخرند و رژیم آنان نیز تا آخر غیررسمی و منزوی خواهد ماند که در نهایت با رژیم دیگری جاگزین می‌شود. اگر به سازش با جهان معاصر تن دهند و قوانین معمول بین‌المللی را بپذیرند، می‌توانند از راه کسب مشروعیت دیپلماتیک زمان بیشتری در قدرت باقی بمانند، البته به بهای از دست دادن حمایت بخش وسیعی از حلقه‌های قدرتمند داخلی و گروه‌های هراس‌افکن بیرونی که به احتمال زیاد منجر به تشدید جنگ قدرت در میان طالبان خواهد شد که روشن نیست به کجا خواهد انجامید.

فرضیه دوم اما چقدر معتبر است؟ بخشی از طالبان که «میان‌رو» خوانده می‌شوند - آتانی که آی‌اس‌آی از طریق آن‌ها در گفت‌وگوهای دوحه بر سر جهان شیره مالید و افسانه «تغییر طالبان» را ترویج کرد - به این واقعیت پی برده‌اند که راه معقول، سازش با جهان است نه مقابله با آن. این بخش از طالبان اما از اعتبار و نفوذ بلندی در میان رهبری طالبان برخوردار نیستند و بنابراین، تا حالا نتوانسته‌اند ثابت کنند که قدرت به چالش کشیدن ملا هبت‌الله را دارند. هر بار که اظهارنظر تندی از آنان سر می‌زند، با عجله به زیارت ملای قندهاری می‌شتابند و بیعت تازه می‌کنند. این جمع بسیار سردرگم هستند و نمی‌دانند که به پیروی از «امیرالمومنین» ادامه داده و خطر انزوا و آینده تاریک را به جان بخرند، و یا از فرمان‌های او سرپیچی کنند که بازم ریسک بزرگی است و به از دست دادن مقام و منزلتی که در حال حاضر دارند، منجر خواهد شد.

طالبانی که به «تندرو» معروف شده‌اند اما دست‌کم این سردرگمی را ندارند؛ چون در راس رهبری این گروه با اختیارات نامحدود هستند و به هیچ مرجعی هم خود را پاسخ‌گو نمی‌دانند. آنان هنوز در توهم جهاد جهانی سیر می‌کنند و خواب تطبیق «شریعت غرای محمدی» در «بلاد کفر» را می‌بینند. عملکرد طالبان در نزدیک به دو سال اخیر در افغانستان نشان داده است که این دسته از طالبان همچنان حرف اول و آخر را در بحران این کشور می‌زنند و هیچ اراده‌ای هم برای دست کشیدن از توحش و بیابان‌گردی قبیله‌ای به سود اهلی شدن در جهان مدرن و معاصر ندارند.

دعوت کنند. سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارشی آورده است که اداره استخبارات طالبان در بازداشت خبرنگاران دست دارد. بنا بر ادعای این سازمان، جواد سارگر، یکی از مقام‌های ریاست ۵۳ اداره استخبارات طالبان، به‌شکل مستقیم خبرنگاران و مسوولان رسانه‌ها را با الفاظی چون «دیگر از این خبرها منتشر نکنید و این فرد را دعوت نکنید» یا حتا «زبان را از حلقوم‌تان می‌کشیم» تهدید می‌کند.

علاوه بر این، پس از طالبان محتوای رسانه‌ها به کلی تغییر کرده است. موسیقی، فلم و سریال‌هایی که قبلاً نشر می‌شد، اکنون در رسانه‌ها تولید و نشر نمی‌شود. در صورتی که پیش از این، رسانه‌ها برنامه‌های سرگرمی، طنز و موسیقی نشر می‌کردند. حال اما با توجه به ممنوعیت‌ها و معیارهای طالبان این محتوا تولید نمی‌شود. این وضعیت در رسانه‌ها فضای خاکستری و یک‌صدایی را ایجاد کرده است. تمام رسانه‌ها یک‌رنگ شده‌اند. مردم و صدای مردم در این رسانه‌ها دیده نمی‌شود. برخی از رسانه‌هایی که خود را صدای مردم و مبلغ ارزش‌های دموکراتیک می‌دانستند، امروزه بلندگوی طالبان شده‌اند و به خواست این گروه محتوا تولید می‌کنند. این وضعیت گلوی زخمی آزادی بیان در افغانستان را بریده است و در درازمدت سبب خاموشی جامعه و بی‌صدایی مردم خواهد شد.

ادامه در صفحه ۷

ترس طالبان از آزادی بیان

ف. س

توقف نشرات این رسانه‌ها، مشکلات اقتصادی، نوعیت فعالیت و سطح بلند چالش‌های موجود در کشور عنوان شده است. همچنان تا اکنون طالبان هیچ‌گونه اقدامی در راستای مصونیت و حمایت از رسانه‌ها نکرده‌اند.

دستگاه امنیتی و به‌ویژه اداره استخبارات و وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان روند سرکوب آزادی رسانه‌ها را به گونه‌های مختلف پیش می‌برند. آن‌ها بازداشت، شکنجه و ارباب را پیشه کرده و در پی حذف فزینی خبرنگاران و رسانه‌ها برآمده‌اند. در نوامبر ۲۰۲۱ وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان با اعلام ممنوعیت‌هایی، به همه رسانه‌ها دستور داد تا نشرات‌شان را «اسلامی» و مطابق «فرهنگ افغانی» بسازند. همچنان به خبرنگاران زن دستور مراعات حجاب اجباری را صادر کردند.

تحت این‌گونه اوامر، دیده می‌شود که رسانه‌ها در سایه طالبان هیچ‌نوع آزادی ندارند. نشر و تولید محتوای رسانه‌ها در کنترل طالبان قرار دارد. هر محتوایی که از سوی رسانه‌ها پخش و نشر می‌شود، از چلوصاف طالبان می‌گذرد. هیچ مطلبی بدون اجازه وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان نشر نمی‌شود. حتا برای خبرنگاران دیکته می‌شود که چه چیزی را نشر و چه کسی را

رسانه‌های افغانستان پس از طالبان
با تسلط طالبان، رسانه‌های افغانستان با ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های بی‌شمار از جمله سرکوب، سانسور و حذف مواجه شده‌اند. سانسور که مصداق بارز دشمنی با آزادی بیان است، به‌طور گسترده توسط طالبان اعمال می‌شود. هرچند وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان ادعا دارد که قانون رسانه‌های همه‌گانی پابرجا است و به‌گونه‌ای هم از رسانه‌ها خواسته است که به قانون رسانه‌ها عمل کنند، اما عملاً دیده می‌شود که در پشت این حرف‌ها عالمی از ممنوعیت وجود دارد و برای رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران محدودیت‌هایی را به دل‌خواه خود وضع کرده‌اند. وضع این محدودیت‌ها در کنار دیگر عوامل، سبب وخیم شدن وضعیت رسانه‌ها در افغانستان شده است.

در مقایسه با جمهوری اسلامی افغانستان، رسانه‌ها با تسلط طالبان به لحاظ کمی و کیفی دچار تغییرات بزرگی شده است. براساس گزارش تحلیلی دفتر حمایت‌کننده رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) پس از تسلط طالبان بر کشور ۵۰ درصد تلویزیون‌ها، ۴۸ درصد رادیوها، ۸۰ درصد رسانه‌های آنلاین کشور و ۶۰ درصد خبرگزاری‌ها نشرات خود را متوقف کرده‌اند. علت

آزادی بیان شالوده تمام آزادی‌ها است. فقدان آزادی بیان، نشانه محرومیت مردم از آزادی‌های عقیدتی، سیاسی، تعلیمی و فرهنگی است. اگر حکومتی بخواهد فضای آزادی بیان را در جامعه مساعد گرداند، ناگزیر است راه را برای تحقق دیگر آزادی‌ها باز کند. انجام این کار، از طالبان بعید است. تسلط طالبان بر افغانستان، سبب شده که فضا برای آزادی بیان تنگ شود. در این مدت آنان تلاش‌های زیادی برای نابودی آزادی بیان به خرج داده‌اند.

برای رژیم مستبد، ضد بشری و متعصب طالبان، کثرت و تنوع پذیرفتنی نیست. آنان موازین حقوق بشری را قبول ندارند. به همین دلیل، آزادی بیان برای آن‌ها ارزش ندارد و وجود این آزادی را برای بقای خود خطر محسوب می‌کنند.

وقتی آزادی بیان در جامعه حاکم باشد، مردم از موقعیت خوبش و اوضاع محیط اطراف‌شان آگاهی حاصل می‌کنند. زمانی که مردم حق بیان اندیشه و حق اعتراض را داشته باشند، به صدای هم‌دیگر گوش می‌دهند، فرصت انتخاب به دست می‌آورد و در جست‌وجوی تغییر می‌شوند. به همین سبب، طالبان وقتی به قدرت برگشتند، آزادی‌ها را محدود کردند. آنان مانع اعتراضات مشروع مردم شده و نشر و پخش اطلاعات را سانسور کرده‌اند. اکنون در داخل افغانستان صدای منتقدان و مخالفان خاموش شده است.

آیا خان مسیر بازی قدرت را تغییر خواهد داد؟

زاهد آریا



انتخابات سرتاسری در پاکستان است. او معتقد است که هنوز محبوب مردم پاکستان است و حزب تحریک انصاف پاکستان به رهبری وی می‌تواند بار دیگر اکثریت کرسی‌ها در تمام ایالت‌های پاکستان را به دست بیاورد و مسیر برگشت وی به قدرت را بدون حمایت ارتش هموار سازد. اما حکومت ائتلافی پاکستان به رهبری شهباز شریف در همکاری نزدیک با ارتش، مخالف برگزاری هر نوع انتخابات پیش از وقت است. همچنان از قدرت رفتن خان را نتیجه توطیه نه، بلکه رای عدم اعتماد اکثریت اعضای مجلس پاکستان می‌داند؛ حرفی که برای خان و اعضای حزب وی قابل پذیرش نیست.

حکومت فعلی پاکستان برگزاری انتخابات زودهنگام را به دلایل سیاسی و قانونی غیرموجه می‌داند. رهبران این حکومت به این باورند که انتخابات سرتاسری در حالی که پاکستان درگیر بحران اقتصادی و چالش‌های امنیتی از جانب تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) و جدایی‌طلبان بلوچ است، امکان‌پذیر نیست؛ اما خان این موارد را بهانه‌جویی از جانب حکومت می‌داند. از همین جهت، از زمان برکناری از مقام نخست‌وزیری، برای تحقق خواسته‌های خود چندین بار دست به راه‌پیمایی زده است. در آخرین مورد هم مجلس‌های حکومت‌های محلی در ایالت‌های خیبرپختون‌خوا و پنجاب را که در کنترل حزب تحریک و انصاف بودند، را منحل کرده است تا به این ترتیب حکومت مرکزی را تحت فشار قرار دهد و زمینه برگزاری انتخابات سرتاسری مهیا شود. با وجود این همه تلاش و اعتراض، خان دولت را به برگزاری انتخابات زودهنگام وادار نتوانسته است. نه تنها به خواسته خود نرسید، بلکه حکومت با باز کردن پرونده فساد در دادگاه علیه وی و اعضای حزبش در تلاش بازداشت او شد.

خان پرونده فساد علیه خود را سیاسی خواند و از

ریشه‌های بحران سیاسی امروز پاکستان برمی‌گردد به زمان کنار زدن عمران خان از قدرت در اپریل ۲۰۲۲ در یک تباری پنهان میان ارتش و احزاب سنتی پاکستان مانند حزب مردم پاکستان به رهبری بلاول بوتو زرداری، وزیر خارجه کنونی پاکستان و حزب مسلم لیگ به رهبری نواز شریف. این سنت براندازی و برسازی، یک سنت دیرینه در تاریخ ۷۶ ساله پاکستان است. نظامیان، سیاسیون را به قدرت می‌رسانند و پس از چندی که خلاف میل آن‌ها حرکت می‌کنند، از قدرت کنار می‌زنند. خان که در پناه حمایت ارتش در سال ۲۰۱۸ به بلندترین مسند قدرت پاکستان تکیه زد، همانند اسلافش پیش از پایان دوره ماموریتش توسط ولی‌نعمتان پیشین از پله قدرت به زیر کشیده شد. پس از کنار زده شدن از قدرت، او همانند اسلافش انگشت انتقاد را به سوی ارتش و مخالفان سیاسی خود نشانه گرفت. خان به این باور است که وی در یک توطیه سازمان‌یافته توسط جنرالان ارتش در تباری نزدیک با احزاب مخالف سیاسی او که اکنون در قدرت‌اند، از مسند قدرت به زیر کشیده شده است. به همین دلیل، از همان زمان تا اکنون پافشاری بر یک توطیه علیه خود دارد. این اتهام‌بندی توطیه نیز یک سنت همیشگی در پاکستان است. هر نخست‌وزیری که از قدرت کنار زده می‌شود، انگشت انتقاد را به سوی ارتش نشانه می‌گیرد؛ ولی تا زمانی که در قدرت است، هیچ مخالفتی با ارتش نمی‌کند.

با این حال، خان خلاف اسلافش که پس از برکناری سکوت اختیار کرده و برای مدتی به انزوا رفته‌اند، خاموش ننشسته و خود را در تقابل مستقیم با ارتش قرار داده است. می‌توان گفت که دل به دریا زده است و می‌خواهد سرنوشت سیاسی خود را متفاوت‌تر از رهبران قبلی پاکستان بنویسد. از آن جایی که خان برکناری خود را حاصل توطیه می‌داند، خواهان برگزاری زودهنگام

فساد مالی، سوءاستفاده از قدرت و یا نقض قانون اساسی متهم شده و پیش از اتمام دوره کاری از قدرت کنار زده شده‌اند. عمران خان هم مستثنا از این وضعیت نبود و اولین قربانی هم نیست. اما چیزی که خان را از اسلافش متمایز ساخته، سرسختی و مقاومت وی در مقابل ارتش است. خلاف خان، رهبران قبلی پاکستان پس از کنار زده شدن از قدرت به بیرون از پاکستان به تبعید می‌رفتند و منتظر می‌ماندند تا چرخه زمان بار دیگر به کام‌شان برگردد. از این رهبران می‌توان از نواز شریف و بی‌نظیر بوتو نام برد که پس از براندازی به لندن، عربستان سعودی و یا امارات متحده عربی به تبعید رفته‌اند. اما خان خلاف آن‌ها، ترجیح داده که در داخل پاکستان باقی بماند و به مبارزات سیاسی خود ادامه دهد.

خان که با حمایت گسترده ارتش در سال ۲۰۱۸ بر مسند قدرت پاکستان تکیه زد، امروز به بزرگ‌ترین چالش ارتش مبدل شده است. خان علناً ارتش را به چالش کشیده و به جنرالان آن اتهامات گوناگونی چون فساد و انحصار قدرت را وارد می‌کند. خان که از وی به‌عنوان یک سلبریتی پوپولیست یاد می‌شود، توانسته با حرف‌های خود طیف گسترده‌ای از توده‌ها را با خود همراه سازد. اگر او بتواند در این مرحله از سد ارتش قدرت‌مند پاکستان عبور کند و ارتشیان را وادار به پذیرش خواسته‌های خود سازد، می‌تواند نقطه عطف دیگری پس از محمدعلی جناح در تاریخ پاکستان باشد. گذشتن از سد ارتش و وادار کردن نظامیان به تمکین، خان را به قهرمان مبدل می‌کند. آن زمان در تاریخ پاکستان از وی به‌عنوان اولین شخصی یاد خواهد شد که ارتش را مجبور به فرمان‌برداری از خود کرده است. اما در صورت شکست، به احتمال زیاد پایان کار سیاسی وی رقم خواهد خورد. در آن صورت، احتمالاً به سرنوشتی مشابه ذوالفقارعلی بوتو روبه‌رو شود و یا هم به تبعید ناخواسته برود. حتا از لحاظ شباهت‌ها خان و بوتو با هم مشترکات زیادی دارند. هر دو رهبران پوپولیست‌اند. اما این که ارتش در مقابل خواسته‌های مردم و خان تسلیم شود، محتمل به نظر نمی‌رسد. احتمال دوام وضعیت کنونی به رهبری شریف یا هم یک کودتای دیگر از طرف نظامیان وجود دارد و به این ترتیب نظامیان یک بار دیگر قدرت را تا زمان نامعلومی در دست خواهند گرفت و بعد به یک حکومت ترکیبی که متشکل از ملکی‌ها و نظامیان باشد، خواهند سپرد. این سناریو بیشتر محتمل است. نکته مهم این است که این شورش تأثیر خود را بر قدرت ارتش خواهد گذاشت و احتمال تقابل ارتش با ملکی‌ها پس از این بیشتر خواهد بود. حتا می‌توان گفت که اگر اعتراضات هم نتواند از قدرت ارتش کم کند، اما تابوی ارتش را خواهد شکست.

حاضر شدن در دادگاه سر باز زد. این امر باعث یورش نیروهای امنیتی بر اقامتگاه وی در لاهور شد. یورش نیروهای امنیتی با مقاومت حامیان خان مواجه شد و پس از خشونت چندروزه نیروهای امنیتی از بازداشت خان منصرف شدند و از اطراف خانه وی عقب‌نشینی کردند. پس از عقب‌نشینی نیروهای امنیتی و آرام گرفتن اعتراضات، خان وعده سپرد تا به دادگاه حاضر شود و به پرسش‌هایی در مورد اتهام فساد بر وی، پاسخ‌ارایه کند. خان پس از گذشت چند ماه، روز سه‌شنبه گذشته در دادگاه حاضر شد تا به اتهامات علیه خود پاسخ دهد، اما توسط پولیس پاکستان بازداشت شد. پس از بازداشت، نوار تصویری کوتاهی از قیل ضبط‌شده از وی توسط اعضای رهبری حزب تحریک انصاف در رسانه‌های اجتماعی نشر شد. در این نوار، خان از هواداران خود خواست تا به خیابان‌ها بریزند و به گفته او «از دموکراسی حمایت کنند». پس از نشر این نوار، طرفداران خان با خشونت بسیار زیاد به مقر فرماندهی ستاد ارتش پاکستان در راولپنڈی، دفاتر حکومتی و مکان‌های عامه یورش برده و دست به تخریب و آتش زدن این مکان‌ها زدند. تا اکنون در نتیجه این خشونت‌ها چندین تن از حامیان خان کشته و زخمی شده‌اند.

به دلیل گسترده بودن این اعتراضات خشونت‌بار، به‌خصوص در ایالات پنجاب و خیبرپختون‌خوا که پایگاه مردمی خان است، نیروهای امنیتی پاکستان قادر به مهار اغتشاشات و شورش‌ها نشده‌اند.

دو نکته قابل تامل در این خیزش وجود دارد که در تاریخ پاکستان بی‌پیشینه است. یکم، اولین باری است که مردم علیه ارتش شعار سر می‌دهند. دوم، عمران خان اولین سیاست‌مداری است که در تقابل آشکار با ارتش قدرت‌مند پاکستان قرار گرفته است. این حادثه در تاریخ ۷۶ ساله این کشور پیشینه ندارد. این یک سنت‌شکنی بی‌سابقه است که برای اولین بار توده‌های پاکستان و یک نخست‌وزیر مخلوع، جنرالان قدرت‌مند پاکستان را به چالش می‌کشند. سال‌های قبل، هر نخست‌وزیری که توسط نظامیان از قدرت برانداخته می‌شد، بدون کدام مقاومت و سرسختی در مقابل ارتش به تبعید می‌رفت. این براندازی و برسازی در پاکستان به یک سنت مبدل شده و هیچ‌یک از نخست‌وزیران این کشور نتوانسته دوره ماموریت خود را به پایان برساند. تا کنون همه نخست‌وزیران به جرایم گوناگونی مانند

از صفحه ۶

ترس طالبان از...

خبرنگاران و منتقدان تحت سلطه طالبان

خبرنگاران، گزارشگران و منتقدان نیز در حالت خفقان به سر می‌برند. آن‌ها هر لحظه ترس از این دارند مبادا حرفی بزنند که خاطر مقام‌های طالبان را آشفته سازد. از زمان حاکمیت طالبان تا اکنون عده زیادی از خبرنگاران بازداشت شده و مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند. عده‌ای هم تا هنوز در زندان‌های طالبان هستند. جرم این خبرنگاران، فقط گفتن حقیقت و نشر مطلب یا خبری بوده که به مذاق طالبان خوش نخورده است. به‌گونه مثال، خالد قادری، مجری سابق رادیو نوروز در هرات، به دلیل نشر دیدگاه انتقادی‌اش در مورد طالبان در شبکه‌های اجتماعی، از سوی دادگاه این گروه در هرات به یک سال حبس محکوم به مجازات شد. مرکز خبرنگاران افغانستان به مناسبت روز جهانی رسانه، در سال جاری با نشر اعلامیه‌ای گفته است که در جریان ۱۲ ماه گذشته دست کم ۲۱۳ مورد خشونت، تهدید و بازداشت خبرنگاران در کشور ثبت شده است که در

مقایسه با دوره مشابه در سال پیش، ۶۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد. تهدید و بازداشت خبرنگاران توأم با خشونت فیزیکی و روانی و توهین و تحقیر بوده است. تحلیل‌گران و منتقدانی که بر ضد رژیم طالبان هستند و عمل کرد آن‌ها را نقد می‌کنند، در بهترین حالت جای‌شان زندان است و حق آزادی بیان ندارند. فضا را طالبان طوری ساخته‌اند که مردم مهر سکوت بر لب زده و از حرف زدن و قلم زدن علیه رژیم آن‌ها دست بکشند. در سرطان سال گذشته ملا هبیت‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، فرمانی را صادر کرد که در آن نقد از طالبان را به‌لحاظ شرعی ناجایز خواند. به گفته رهبر طالبان، تعرض و رفتار نامناسب با «مسئولان و کارمندان حکومتی» مجازات و تاوان در پی دارد. از این دستور معلوم می‌شود که طالبان نه تنها مانع نقد از عمل‌کردشان شده، بلکه دستور مجازات منتقدان را نیز صادر کرده‌اند. نکته مضحک ماجرا هم این است که نقد از طالبان را «غیرشرعی» خوانده‌اند؛ گویا حرف و عمل

طالبان، حرف و عمل خدا و رسول بوده و سرکشی از آن جایز نیست.

به این ترتیب، طالبان آزادی بیان را برای خود مجاز و برای مردم غیرمجاز می‌دانند. آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی و میدان‌های شهر به پخش و نشر دیدگاه‌ها و نظریات خویش می‌پردازند و باقی مردم حق چنین کاری را ندارند. مردم حتا با بیان یک نظر در رسانه‌های اجتماعی یا ابراز نظر خویش در رابطه به یک مطلب، بازداشت و مجازات می‌شوند. بازداشت‌های مکرر، شکنجه و پی‌گیری مداوم مخالفان رژیم طالبان، سبب شده است که مردم راه احتیاط را پیش بگیرند، حرف ضد رژیم طالبان نزنند و حتا در تماس‌های تلفنی مواظب حرف‌های خود باشند.

چرا طالبان از آزادی بیان می‌ترسند؟

اصلی‌ترین هدف آزادی بیان، ترویج گفت‌وگو، تعامل، تنوع و هم‌دیگرپذیری است، اما طالبان از آن ترس دارند؛ چرا که آزادی بیان به تقویت آزادی‌های مدنی، مذهبی و سیاسی کمک می‌کند و طالبان آن‌ها را در تناقض با عقاید خود می‌دانند. طالبان تصور می‌کنند که با سرکوب آزادی‌ها، جامعه را به مسیری خواهند

کشید که حاکمیت قشری مولوی‌ها و هم‌دستان آنان تضمین شود. به این منظور، کوچک‌ترین صدای اعتراض و مخالفت را سرکوب می‌کنند. آزادی بیان سبب می‌شود که کاستی‌ها، ضعف‌ها و ستم‌های یک نظام سیاسی از مجراهای مختلف بیان، نقد و اصلاح شود. طالبان درک بدوی از سیاست و دولت‌داری دارند و از این رو ضرورت آزادی‌ها را نمی‌دانند. از روزی که آنان بر اریکه قدرت تکیه کرده‌اند، نظام‌های اجتماعی و مدنی رو به اضمحلال رفته است و این‌گونه بر رنج و محرومیت مردم افزوده شده است. در عین حال شکل‌گیری نظام طالبانی با چالش‌های جدی مواجه شده است. با تداوم این وضعیت که در آن استبداد، محرومیت از حقوق اساسی و سرکوب با تنگ‌دستی، بیکاری و بی‌تعلیمی همراه شده است، رنج‌های مردم عمیق‌تر خواهد شد؛ ولی طالبان نیز فرصت تحکیم قدرت خود را دست خواهند داد؛ چرا که بر گرده مردم گرسنه و دریند نمی‌توان «امارت» استوار ایجاد کرد. با گذشت زمان ابهامات نسبت به نیت طالبان کمتر خواهد شد و آنگاه مردم برای دور کردن چکمه‌های این گروه از روی آزادی و نان خود، به پا خواهند خاست.

خبرنگار ارشد:

امین کاوه

ویراستاران:

محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی:

رضا مرادی

پذیرش مقالات:

Info@8am.media

پذیرش اعلان:

Shaparsepehr@gmail.com • ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۷۹۹

نشانی پستی:

۵۱۰۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکز کی، کابل، افغانستان

نشانی پستی:

۸ص صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸ صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز:

سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media

مدیرمسئول:

محمد محق Mohammad.moheq@8am.media

سردبیر:

حسیب بهش Hasib.baresh@8am.media

تحلیل‌گران:

یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها:

فهمین امین

دبیر بخش ویدیو:

نصیر کاوشگر

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media_official

www.8am.media

دهها هزار تن در صربستان، برای دومین بار در یک هفته گذشته با برگزاری تظاهرات گسترده خواستار بهبود اوضاع امنیتی، توقف محتوای خشونت‌آمیز تلویزیونی و استعفای وزیران کلیدی دولت آن کشور شدند. بر بنیاد گزارش رویترز، معترضان روز جمعه، ۱۲ می، خواستار استعفای براتیسلا گاسیچ، وزیر داخله و الکساندر وولین، مدیر آژانس امنیت صربستان و انحلال کمیته قانون‌گذاری رسانه‌های الکترونیکی شده‌اند. اعتراضات خیابانی روزهای اخیر پس از آن آغاز شد که یک پسر ۱۳ ساله در تاریخ ۳ می سال جاری، در شهر بلگراد هشت دانش‌آموز و یک نگهبان مکتبی را ب ضرب گلوله کشت و ۶ دانش‌آموز دیگر و یک آموزگار را هم زخمی کرد.

پاپ در دیدار با زلنسکی برای پایان تهاجم روسیه دعا کرد



در دیدار با زلنسکی گفته است: «پیام واضح و ساده است: آینده اوکراین، آینده صلح و آزادی و آینده اروپا است.»

این مقام ایتالیایی به زلنسکی وعده کمک‌های نظامی داده است.

با این حال، جزئیات بیشتر از دیدار هیات اوکراین با پاپ و مقام‌های دولت ایتالیا به نشر نرسیده است. این سفر زلنسکی در حالی صورت می‌گیرد که حملات روسیه به اوکراین همچنان ادامه دارد و مسکو امروز اعلام کرد که نیروهایش در حال پیش‌روی در باخموت هستند.

همزمان با این، آلمان نیز از بزرگ‌ترین بسته کمک‌اش به اوکراین به ارزش سه میلیارد دلار رونمایی کرده است.

اوکراین تلاش دارد تا اعضای اتحادیه اروپا را متقاعد سازد که این کشور را به جمع خود بپذیرند؛ تلاشی که دست‌کم تا کنون بی‌نتیجه مانده است.

ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در سفر به ایتالیا به دیدار پاپ رفته و با او در مورد وضعیت انسانی و سیاسی اوکراین در پی تهاجم روسیه، صحبت کرده است.

آسوشیتدپرس گزارش داده است که زلنسکی امروز (شنبه، ۱۳ می) با پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، دیدار کرده است.

در بیانیه واتیکان از دیدار دو طرف آمده است که پاپ برای پایان تهاجم روسیه دعا کرده است. پاپ در این دیدار همچنان بر لزوم ادامه کمک‌های بشردوستانه به آسیب‌پذیرترین شهروندان اوکراین تأکید کرده است.

زلنسکی در سفر به ایتالیا با مقام‌های این کشور نیز دیدار و گفت‌وگو داشته و قول حمایت نظامی و مالی بی‌پایان و همچنین حمایت قوی‌تر از هدف اوکراین برای پیوستن به اتحادیه اروپا را دریافت کرده است. در همین حال، جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا،

آلمان از بزرگ‌ترین بسته کمکی ۲.۷ میلیارد یورویی اش به اوکراین رونمایی کرد

وزارت دفاع آلمان از بسته کمکی جدید این کشور به اوکراین را به ارزش ۲.۷ میلیارد یورو، رونمایی کرد. رویترز به نقل از بیانیه وزارت دفاع آلمان که روز شنبه، ۱۳ می، به نشر رسیده گزارش داده که کمک جدید آلمان بزرگ‌ترین بسته کمکی این کشور از آغاز تهاجم روسیه به اوکراین است.

بر اساس بیانیه، بسته کمکی جدید آلمان به اوکراین شامل ۳۰ عراده تانک لئوپارد، ۱۵ عراده تانک ضد هوایی Gepard، بیش از ۲۰۰ بال هواپیمایی بی‌سرنشین و ۴ صد سامانه ضد هوایی Iris-T است.

بوریس پیستوریوس، وزیر دفاع آلمان، گفته است: «همه ما آرزوی پایان سریع این جنگ وحشتناک و غیرقانونی را داریم. متأسفانه، این هنوز قابل پیش‌بینی نیست. بنابراین، آلمان هر کمکی که بتواند - تا زمانی که لازم باشد، ارائه خواهد کرد.» در همین حال، آندری یرماک، رئیس دفتر ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در پیامی در تلگرام از این بسته کمکی آلمان تشکر کرده است.

آلمان پس از تهاجم روسیه بر اوکراین تنها به کمک‌های مالی به کی‌یف و وضع تحریم‌ها بر مسکو بسنده کرده بود، زیرا از تشدید جنگ هراس داشت، اما در آغاز سال جاری میلادی با ارسال تانک به اوکراین موافقت کرد.

بزرگ‌ترین کمک تسلیحاتی آلمان به اوکراین در اوضاعی رونمایی شده که کی‌یف اخیراً به پیش‌روی‌های در جبهه‌های جنگ باخموت دست یافته است.

رهبران اوکراین اخیراً درخواست تسلیحات سنگین دوربرد از متحدان شان کرده‌اند.

رهبران مالی گروه ۷ تحریم‌های بیشتر بر روسیه وضع می‌کنند

رهبران هفت کشور صنعتی جهان مصمم شده‌اند که به هدف حمایت از اوکراین در برابر تهاجم روسیه، تحریم‌های بیشتری بر مسکو وضع کنند.

آسوشیتدپرس گزارش داده که کشورهای شامل در جی ۷ روز شنبه، ۱۳ می، با نشر بیانیه مشترک به نشست‌شان در جاپان پایان دادند.

در بیانیه پایانی این نشست آمده است: «ما خواستار پایان فوری جنگ غیرقانونی روسیه علیه اوکراین هستیم که یکی از بزرگ‌ترین ابهامات در مورد چشم‌انداز اقتصاد جهانی را برطرف خواهد کرد.»

در نیکتای جاپان، وزیران مالی و رییس بانک‌های مرکزی کشورهای عضو به مدت سه روز بحث و رایزنی کرده و متعهد شده‌اند که تورم را کنترل کنند.

در بیانیه هیچ اشاره‌ای خاصی به چین نشده است. ظاهراً گفت‌وگوهای رهبران مالی هفت کشور صنعتی جهان راه را برای نشست رهبران این کشورها که قرار است در آینده‌نچندان دور در هیروشیما برگزار شود، هموار کرده است.

بر اساس آمارهای نشر شده، با آن که کشورهای جی ۷ یک دهم جمعیت جهان را دارند، اما حدود ۳۰ درصد از فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهند.

گفته می‌شود که اقتصاد اعضای جی ۷ نسبت به چهاردهه قبل به نصف کاهش یافته است.

هفت کشور صنعتی جهان پیش از این نیز تحریم‌های را به هدف توقف ماشین جنگی روسیه در اوکراین وضع کرده‌اند.



یک کودک چهارساله در هند مورد تجاوز جنسی قرار گرفت

رسانه‌های هندی گزارش داده‌اند که یک کودک چهارساله در این کشور مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.

هندین اکسپرس، گزارش داده که این رویداد پس از چاشت روز جمعه، ۱۲ می، در ساحه سامبال اوتارپرادش هند رخ داده است.

خانواده این کودک گفته‌اند که او از سوی راننده سه‌چرخه‌ای که مسوولیت انتقال این کودک به مکتب را داشته، مورد تجاوز قرار گرفته است.

پدر کودک گفته که راننده ریکشا روز جمعه پس از آن که دانش‌آموزان را به خانه‌هایشان انتقال داده، در یک جاده متروکه بر دختر خردسالش تجاوز کرده است.

گفته می‌شود که عامل رویداد نیز یک نوجوان چهارده‌ساله بوده است.

پولیس این نوجوان را پس از بازداشت به‌دلیل سن کم به مرکز تربیت و اصلاح کودکان منتقل کرده است.

هند از کشورهای نامن برای زنان و دختران پنداشته می‌شود.

وقوع رویدادهای تجاوز جنسی در این کشور، هند را در صدر کشورهای با آمار بلند تجاوز جنسی قرار داده است.

بر اساس گزارش‌ها، عاملان رویدادهای تجاوز جنسی در هند با مجازات سختی در دادگاه نیز روبه‌رو می‌شوند.



او جنرالان نظامی ارشد کشورش را متهم کرد که حکومت ایتلافی متزلزل کنونی را جایگزین او کرده است.

عمران خان خواستار تظاهرات سراسری در پاکستان شد

بازداشت خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان پس از آزادی از زندان، از هوادارانش خواست که تظاهرات سراسری محلی را در آن کشور راه‌اندازی کنند.

خان روز یکشنبه، ۱۴ می، در یک نوار ویدیویی تأکید کرد که روز چهارشنبه هفته‌جاری به مبارزات خود برای برگزاری انتخابات فوری برمی‌گردد.

عمران خان افزود: «آزادی به راحتی به دست نمی‌آید. باید آن را به چنگ آورد. باید برای آن فداکاری کنید.» خان روز سه‌شنبه هفته گذشته هنگامی که برای پاسخ به اتهامات فساد اداری به دادگاه عالی اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان رفته بود، از سوی نیروهای اداره مبارزه با فساد آن کشور بازداشت شد.

بازداشت خان سبب شکل‌گیری موجی از اعتراض‌های گسترده و خشونت‌بار هواداران وی در سراسر پاکستان شد که به آتش کشیده شدن ساختمان‌های دولتی، بسته شدن راه‌ها و تخریب تاسیسات نظامی را در پی داشت.

با این حال، دادگاه عالی پاکستان روز پنجشنبه بازداشت خان را غیرقانونی اعلام کرد و دستور رهایی وی را داد. او روز جمعه ۱۲ می، با قرار وثیقه آزاد شد و به خانه رفت.

عمران خان پس از آن‌که در ۲۰۲۲ از سوی پارلمان کشورش سلب صلاحیت شد، کمپینی را بر ضد نظامیان پاکستانی آغاز کرد.

انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ترکیه امروز برگزار می‌شود

دور انتخابات پارلمانی این کشور نیز امروز برگزار می‌شود. در انتخابات پارلمانی این کشور ۲۴ حزب و ۱۵۱ نامزد مستقل برای کسب کرسی در پارلمان اشتراک کرده‌اند. روز گذشته از میان رقبای انتخابات ریاست جمهوری این کشور، محرم اینچه از حزب مملکت، کناره‌گیری کرد.

گفتنی است که در حال حاضر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه که اخیراً حکومتش در پی تورم اقتصادی با انتقادهای تندی مواجه شده است و کمال کلیچداراوغلو، از ایتلاف مخالف وی، از رقبای سرسخت یک‌دیگرند و به احتمال زیاد کاندیدان برتر انتخابات امروز نیز باشند.

صندوق‌های رای بروند و رییس‌جمهور و اعضای پارلمان بعدی کشورشان را انتخاب کنند.

به گزارش خبرگزاری آناتولی، بیش از ۱۹۱ هزار صندوق رای یک هزار و ۹۴ حوزه انتخاباتی در سراسر ترکیه آماده برگزاری انتخابات است.

در انتخابات امروز، ۶۰ میلیون و ۶۹۷ هزار و ۸۴۳ شهروند واجد شرایط در ترکیه اشتراک خواهند کرد.

رجب طیب اردوغان از ایتلاف «جمهور»، کمال کلیچداراوغلو از ایتلاف «ملت» و سینان اوغان به‌عنوان نامزد ایتلاف «آتا» در این انتخابات باهم رقابت می‌کنند. همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، بیست‌وهشتمین



در سیزدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، قرار است مردم این کشور امروز (یکشنبه، ۱۴ می) پای